زندگی قدس

چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸
۱۸ شعبان ۱۴۴۰
۲۴ آوریل ۲۰۱۹
سال سی و دوم | شماره ۸۹۴۸
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

گفت‌وگو با سلمان کدیور درباره نخستین تجربه رمان‌نویسی‌اش با «پس از بیست سال»

قصه صفّین در تقاطع تاریخ و تخیل

۱۴

گفت‌وگو با کارگردان «منطقه پرواز ممنوع» که نخستین اثر سینمایی کودک و نوجوان در حوزه مدافعان حرم است

پدر، عشق، پسر

۱۵

ادب و هنر

۱۴

اهدای درآمد اجرای تئاتر «باغ خونی» درماه مبارک رمضان به هموطنان سیل‌زده

«باغ خونی»ها هلال احمری شدند

نشست خبری نمایش «باغ خونی» صبح دیروز در مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس برگزار شد. نمایش «باغ خونی» به نویسندگی محمد نقایی و کارگردانی امیر بشیری برای دومین بار به نفع هموطنان سیل‌زده در مشهد مقدس به روی صحنه خواهد رفت.«باغ خونی» در دی سال گذشته به مدت ۱۰ شب در مشهد اجرا شد که با استقبال خوب مخاطبان مشهدی روبه‌رو شد. داستان «باغ خونی» به برهه‌ای از تاریخ شهر مشهد و به یکی از وقایع مهم این شهر یعنی واقعه گوهرشاد می‌پردازد. در اجرای پیشین این نمایش بازیگرانی نظیر پرویز فلاحی‌پور، کامران تفتی، سعید صادقی، محمد الهی، امیر محاسبتی، جلال کریم‌زاده، جواد محمدزاده، زهره مرادی، محبوبه سلطانی، مجید بخششیان، مهشید شریفی، احسان امیرپور، مهران مطیع و سجاد انتظاری ایفای نقش کردند. همکاری بازیگران سرشناس تهرانی در کنار بازیگران توانمند مشهدی ترکیبی ایجاد کرد که سبب شد مخاطبان شاهد یکی از بهترین اجراهای تئاتر در شهرشان باشند. حالا در دومین ماه سال و در شرایطی که سیل، بعضی از استان‌ها را درگیر خود کرده هنرمندان تئاتر به انگیزه همدردی با هموطنان سیل‌زده قرار است تئاتر «باغ خونی» را دوباره روی صحنه ببرند و عواید آن را به هموطنان مناطق سیل‌زده اهدا کنند. به گفته کارگردان این تئاتر، نمایش باغ خونی از اول ماه مبارک رمضان و به مدت ۲۵ شب برای مخاطبان به اجرا در خواهد آمد ...

معارف

۱۱

گفت‌وگوی قدس با حجت‌الاسلام حجامی

مهدویت و جریان‌های انحرافی

ایستگاه

۱۶

قسمت دهم از سفرنامه محمد مهدی خالقی به همسایه شرقی

زندگی به سبک پاکستان

مهم‌ترین ویژگی پاکستانی‌ها «مهربانی و میهمان نوازی» است و اگر به این دو، آرامش ذاتی و صلح طلبی را هم اضافه کنید، با کشوری مواجهید که کمتر تنش و بدرفتاری در آن می‌بینید. در این ۱۰ روز از سفر بارها و بارها میهمان شده‌ایم. از خانه اغنیا تا فقرا و همیشه با روی گشاده و با پذیرایی حداکثری روبه رو شده‌ایم. هروقت از روز وارد شوی، از تو با شیرینی، گورماست، سمبوسه و بعضی سالادهای مخصوص پذیرایی می‌کنند. این البته به جز وعده‌های سه گانه است. از نظر رفتارهای اجتماعی در این چند روزفقط یک مورددعوای خیابانی...

مردم

۱۰

روایت زندگی «محمدعلی کارآزما»

پنجاه سال قُرُقبانی در هزار مسجد

مجاز آباد

سردار سلیمانی به توییتر پیوست

پس از اقدام اخیر اینستاگرام در مسدودسازی صفحه سردار حاج قاسم سلیمانی، پایگاه اطلاع‌رسانی و نشر اخبار و مطالب وی با انتشار پستی، از آغاز فعالیت این صفحه در توییتر خبرداد و نوشت: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. پایگاه اطلاع‌رسانی و نشر اخبار و مطالب درباره سرلشکر حاج قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علاوه بر تلگرام، در توییتر نیز آغاز به کار می‌کند. صفحات قبل ۶ بار توسط اینستاگرام مسدود شد».

نفت نیست، مردم که هستند

در پی اعلام کاخ سفید مبنی بر عدم تمدید معافیت‌های نفتی ایران، کاربران با انتشار مطالبی در فضای مجازی، پاسخ اقدام اخیر ترامپ را دادند و به صفر رساندن صادرات نفت ایران را غیرممکن و نشدنی دانستند. کاربری در این‌باره نوشته است: «نه چاه‌های نفت وفا دارند و نه کشورهای همپیمان با آمریکا؛ پس بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران یعنی چین، باخت در جنگ تجاری با آمریکا را به دست خود رقم نمی‌زند». کاربر دیگری هم نوشت: «نخستین بار در زمان دکتر مصدق جهان به نفت ایران پشت کرد. مصدق اوراق قرضه با تصویری از دکل نفتی منتشر کرد و مردم برای خرید اوراق ساعت‌ها در صف ایستادند. روزنامه‌ها نوشتند:«نفت نیست، ملت که هست». این مردم همان مردم هستند آقای آمریکا».

ذوق زدگی از کمک‌های ناچیز

برخی از سلبریتی‌ها از جمله تهمینه میلانی و مهتاب کرامتی پست‌هایی را در صفحات اینستاگرام خود به اشتراک گذاشته و آمار عجیب و غریبی از کمک‌های یونیسف به کودکان سیل‌زده اعلام کردند. درحالی که طبق اعلام صفحه رسمی یونیسف در توییتر، کمک‌های این نهاد شامل ۲۰۰ جعبه حمل واکسن و ۱۰۰ جعبه نگهداری در دمای پایین است که در مقایسه با کمک‌های یونیسف به سایر کشورها در جریان بلایای طبیعی بسیار ناچیز است. کاربری در این‌باره نوشته‌است: «یک پست از سلبریتی‌ها برای تشکر از جهادی‌ها و نیروهای داوطلب مردمی ندیدیم، ولی برای ۲۰۰ تا جعبه دارن خودشونو به آب و آتیش می‌زنند که بگن غربی‌ها خوبن ما بدیم».

واپسین میخ تابوت

صحبت‌های اخیر مایک پمپئو حواشی زیادی در فضای مجازی داشته است. یکی از کاربران در این‌باره نوشته است: «پمپئو عرض داشت: «تحریم‌ها ادامه می‌یابد و هیچ تضمینی در کار نیست که این تحریم‌ها سبب ضربه خوردن به مردم ایران نشود». فرمودیم نگون‌بخت آن مردمی که مستمند تضمین فرومایه‌ای چون تو باشند، اما مردمان ایران زمین تعهد می‌دهند به کوفتنِ واپسین میخِ تابوتِ امپریالیسم آمریکا».

دیدار «عمران خان» با رئیس جمهور کشورمان در فضای مجازی داغ شد

کریکت در زمین سیاست

محمد تربت‌زاده: جامعه شناس‌ها می‌گویند، ما ایرانی‌ها بنا بر شرایط جامعه‌مان دوست داریم همه چیز را سیاسی کنیم یا اینکه همیشه درباره سیاست نظر بدهیم، اما این را که سلبریتی‌های کشورمان هر از گاهی با اظهارنظرهای سیاسی سوژه فضای مجازی می‌شوند، مثل خیلی از تحلیلگرها نگذارید به حساب فرهنگ سیاسی ما ایرانی‌ها. این خاصیت بیشترِ سلبریتی‌های دنیاست که لابد به واسطه محبوبیتشان در میان مردم، دوست دارند پا به عرصه سیاست بگذارند. از «ولادیمیرزلنسکی» کمدین مشهور اوکراینی که بتازگی رئیس جمهور کشورش شده بگیر تا «عمران خان» یکی از اسطوره‌های کریکت دنیا که فعالیت سیاسی‌اش را پس از خداحافظی از تیم ملی کشورش آغاز کرد و با پیروزی در انتخابات سال ۲۰۱۸ پاکستان، نخست وزیر کشورش شد.

کلاه گشاد دیپلماسی

سه چهار روز پیش که رسانه‌ها اعلام کردند نخست وزیر پاکستان قرار است به کشورمان سفر کند، غوغایی در فضای مجازی به پا شد که آن طرفش ناپیدا. بدبین‌های فضای مجازی گفتند و نوشتند از فرصت طلبی «عمران خان». از اینکه آقای نخست وزیر قصد دارد به بهانه تحریم‌ها سرکیسه مان کند. حرف‌هایی از این قبیل که: توی تمام این روزهای سختی که پشت سر گذاشتیم این آقا کجا بوده؟ روابط حسنه عمران خان با دولت سعودی رو کجای دلمون بگذاریم؟ لطفاً دیپلمات‌هایمان حواسشان را خوب جمع کنند که کلاه گشاد دیپلماسی یک بار دیگر سرمان نرود. از آن طرف هم بودند عده‌ای که حسابی خوشبینانه به سفر عمران خان به کشورمان نگاه می‌کردند. کسانی که طبق اصل «لنگه کفش پاره در بیابان نعمت است» می‌گفتند در این بلبشوی اقتصادی و تحریم‌ها باید قدر کشورهای همسایه را بدانیم و روابط دیپلماتیکمان را با آن‌ها افزایش دهیم. کاربری نوشته بود:«پس از سرنوشت برجام، اصلاح و تقویت روابط با پاکستان و سایر کشورهای منطقه می‌تواند گام مهمی در جهت به جا ماندن «میراث دیپلماسی» از دولت تدبیر و امید در کشور باشد».

زبان چرب و نرم

خیلی‌ها می‌گویند عمران خان یک «پوپولیست» تمام عیار است که با چرب زبانی‌های مخصوص سیاستمداران عوامگرا، به جایگاه کنونی‌اش در عرصه سیاسی پاکستان رسیده است؛ پس نباید خیلی از تعریف و تمجیدهای «کاپیتان» از انقلابمان ذوق‌زده شویم یا وقتی فیلم سینه چاک دادن عمران خان برای زبان فارسی و بدگویی‌هایش از انگلیس و آمریکا در فضای مجازی دست به دست می‌شود، روی عمران خان به عنوان یک ایران دوست و متحد راهبردی درجه یک حساب باز کنیم! حتی زمانی که عمران خان در کتاب خاطراتش از آشنایی با «دکتر علی شریعتی» می‌نویسد و ادعا می‌کند الگویش در سیاست مرحوم شریعتی است، باز هم با توجه به کارنامه سیاسی آقای نخست وزیر، نمی‌شود زیاد خوشبینانه به ماجرا نگاه کرد؛ چون همان‌طور که کارشناس‌ها می‌گویند عمران خان حرف زدن را خوب بلد است و می‌تواند با زبان چرب و نرم هر غیرممکنی را ممکن کند؛ فقط کافی است نگاهی به نطق‌های پیش از انتخابات «کاپیتان» بیندازید تا چرب زبانی هایش شگفت زده تان کند. سخنرانی‌های توفانی درباره پایان دادن به فقر در پاکستان، تعریف و تمجیدهای باورنکردنی‌اش از شیعیان پاکستان، معرفی مدینه فاضله پیامبر(ص) به عنوان آرمانشهر خودش، بدگویی از آمریکا و از آن طرف روابط پشت پرده‌اش با این کشور نشان می‌دهد که عمران خان تبحر زیادی در سخنوری دارد و می‌تواند اقشار مختلف جامعه را با همین روش از خودش راضی نگه دارد. اما در سیاست اصلی وجود دارد که می‌گوید:«فقط زمانی می‌توانید همه مردم را از خودتان راضی نگه دارید که ریگی به کفشتان باشد».

زمین خاکی‌های «لاهور»

پاکستانی‌ها هنوز هم به عمران خان می‌گویند «کاپیتان». لقبی که از سال‌های دور پشت نام عمران خان مانده است؛ یعنی همان سال‌هایی که جوانِ نجیب زاده پاکستانی در عرصه کریکت کشورش یکه تازی می‌کرد.

روزی که عمران خان در ۱۶ سالگی پاکستان را ترک کرد تا در رشته فلسفه، سیاست و اقتصاد در دانشکده «کبل» دانشگاه آکسفورد مشغول به تحصیل شود، هیچ کس فکرش را نمی‌کرد جوانِ درسخوان پاکستانی سال‌ها بعد تبدیل به بزرگ‌ترین کریکت باز تاریخ کشورش شود.

عمران خان پس از درخشش‌های پی درپی در تیم ملی کشورش، بازوبند کاپیتانی را به بازو بست و در سال ۱۹۹۲ برای نخستین و شاید آن طور که تحلیلگرهای ورزشی می‌گویند آخرین بار تیم ملی پاکستان را قهرمان جام جهانی کریکت کرد. همان سال بود که لقب «کاپیتان» در کنار نام عمران خان نقش بست. «کاپیتان» شده بود الگوی کودکانی که در زمین‌های خاکی «اسلام‌آباد» و «لاهور» کریکت بازی می‌کردند.

تصاویر و پوسترهای عمران خان رفت روی دیوار اتاق نوجوان‌های کریکت‌باز تا شاید یک روز مثل «کاپیتان» برای کشورشان افتخارآفرینی کنند. آن روزها اگر به پاکستانی‌ها می‌گفتید اسطوره کریکت کشورشان حدود سه دهه بعد نخست وزیر پاکستان می‌شود، خیلی‌ها به عقلتان شک می‌کردند!

هرجا که باد بیاید

جذابیت‌های سیاست همان‌طور که بسیاری از سلبریتی‌ها را به این فضا می‌کشاند، سرانجام پای دومین کریکت‌باز افسانه‌ای تاریخ را هم به عرصه سیاست باز کرد. عمران خان اما با سایر سلبریتی هایی که در طول تاریخ وارد دنیای سیاست شده‌اند، فرق دارد. نخست اینکه عمران خان در دانشگاه فلسفه و سیاست خوانده است. دیگر اینکه عمران خان مثل بقیه سلبریتی‌ها یکشبه و به واسطه محبوبیتش در میان عامه مردم پا به عرصه سیاست نگذاشته است.

کاپیتان بیست و اندی سال برای سیاستمدار شدن زحمت کشیده، با حزب حاکم در افتاده، طعم حصر خانگی و زندان را چشیده، سال‌ها برای تشکیل یک حزب سیاسی مستقل در کشورش تلاش کرده، سال‌ها در پارلمان کشورش عرق ریخته و یک کلام اینکه خاک سیاست را خورده است. پس بیراه نیست اگر بگوییم کاپیتان یک سر و گردن از همقطارهای خودش بالاتر است.

هنوز برای اظهار نظر درباره دیدار رئیس جمهور کشورمان با عمران خان خیلی زود است، اما باید در نظر داشته باشیم که جنبه‌های آرمان‌گرایی شخصیت کاپیتان بر جنبه‌های واقع‌گرایی‌اش غلبه دارند. به عنوان نمونه، عمران خان اگرچه مدینه فاضله پیامبر اکرم(ص) را آرمان‌شهر خود می‌داند، اما معتقد است الگوی قانونگذاری در پاکستان باید غرب باشد.همچنین آقای نخست وزیر می‌خواهد همزمان با آمریکا، عربستان، ایران و افغانستان روابط حسنه داشته باشد! به عبارت دیگر کاپیتان همه را در جبهه خودش نگه می‌دارد و با توجه به شرایط جوی، هربار می‌رود آن طرفی که باد می‌آید! به همین خاطر در ماجرای قتل خاشقچی طرفِ عربستان و بن سلمان را می‌گیرد و می‌گوید: «پاکستان نمی‌تواند به خاطر قتل خاشقچی سعودی‌ها را از خود براند».

این روزها رفاقت بن سلمان و عمران خان آن‌قدر صمیمی شده که قهرمان سابق کریکت پس از سفر بن سلمان به اسلام آباد، یک روز را به افتخار ولیعهد عربستان در کشورش تعطیل رسمی اعلام کرد و علاوه بر اهدای یک اسلحه طلاکاری شده، بالاترین نشان غیر نظامی پاکستان را هم به او اعطا کرد!

تمام این موارد یعنی عمران خان همان‌قدر که در عرصه کریکت غیرقابل پیش‌بینی و خطرناک بود، در عرصه سیاست هم می‌تواند غیرمنتظره و خطرناک عمل کند.

به قول کاربران فضای مجازی باید حواسمان باشد که در این ماجرا یک کلاه گشاد دیپلماسی دیگر سرمان نرود و از طرف دیگر باید از تمایل نخست وزیر پاکستان به برقراری روابط صمیمانه با کشورمان نهایت استفاده را بکنیم. یک کلام اینکه به سبک خود عمران خان طوری با کاپیتان معامله کنیم که نه سیخ بسوزد نه کباب!

عکس: علیرضا صفرزاده

روایت زندگی «محمدعلی کارآزما» که همه عمرش را در کوه و کمر گذرانده

پنجاه سال قُرُقبانی در هزار مسجد

|مردم/ حسن احمدی‌فرد| این‌طوری نبینیدش که نزار روی تخت افتاده. هوای «هزارمسجد» که بیفتد به سرش، با همین پایی که دیابت کشانده‌اش زیر تیغ جراحی می‌زند به دل جاده. هیچ چی هم جلودارش نیست. هوای هزارمسجد همه را هوایی می‌کند؛ حاجی را بیشتر. حاجی عمرش را همانجا گذرانده است. لابه‌لای همان تپه‌ماهورهایی که همیشه خدا علف‌هایش تا زیر زانو می‌رسد و اُرس‌هایش همیشه خدا سرسبزند. بهار که از راه می‌رسد و برف‌ها که آب می‌شود، حاجی را هیچ‌جا نمی‌شود پیدا کرد جز در هزارمسجد. از «زوی مارشک» تا «عرب‌چاه» و از آنجا تا «جنگل نورالی» و «کوه آت‌قولاق»، حاجی گم می‌شود در دل اولنگ‌ها؛ تا رمه‌ای قُرُقی را نشکند یا شکارچی بی‌ملاحظه‌ای تیر نیندازد سمت کل و بزها.

«محمدعلی کارآزما» ۵۰ سال است که در هزارمسجد قُرُقبانی می‌کند. حالا اما در ۷۰ سالگی، چند ماهی است که بیماری خانه‌نشینش کرده. او زمستان پارسال را در چهاردیواری خانه‌اش گذراند؛ در شلوغی‌های مشهد. حالا اما یک ماهی است که بهار شده. همین روزها زخم تیغ جراحی روی پایش که بهتر بشود، حاجی کوله‌اش را برمی‌دارد، اُورکت کارکرده‌اش را می‌اندازد روی شانه‌اش و کلاه پوستی را می‌کشد به سرش. آن وقت دیگر نه خبری از چهاردیواری اتاق باقی می‌ماند، نه سر و صدایی از شلوغی شهر. آن وقت هر چه هست بوی علف‌های نم‌خورده است و بوی سنگ و صخره باران‌دیده که موج می‌خورد در هوای مه‌آلود قله‌های هزارمسجد.

◆ قُرُقبانی کار سختی است؟

سخت است. آدم خودش را می‌خواهد. قبل از من، یکی دو نفر دیگر هم بودند اما نمی‌توانستند قُرُقبانی کنند. نمی‌توانستند قُرُق را نگه دارند. رمه‌دارها می‌آمدند و مرتع‌ها را می‌چراندند و می‌رفتند. قُرُقبان باید ابهتش را داشته باشد تا کسی از ترس او نیاید و مرتع‌ها را چرا نکند. همین حالا هم وقتی عشایر یا رمه‌دارها اختلاف پیدا می‌کنند، من را می‌برند تا محدوده‌ها را مشخص کنم.

منطقه‌ای را که من بگویم امسال قُرُق است، امسال قُرُق است. حرف همان است و دو تا نمی‌شود. کسی جگر نمی‌کند وارد منطقه بشود. این‌طوری بوده که هزارمسجد، هنوز هزارمسجد است.

◆ خب شما چطور توانستید این همه سال قرقبان بمانید؟

ما پشت در پشت مرتع‌دار و قرقبان بوده‌ایم. این منطقه، منطقه اجدادی ماست. این مراتع مال خودمان بوده. ما از «چولایی»ها هستیم. چولایی‌ها معروفند و بیشترشان در همین منطقه شمال مشهدند. از روستای «معین‌آباد» به بالا تا «مارشک» و «کریم‌آباد» و از آن طرف تا «انداد» و «ارداک»، همه این منطقه به «چولایی‌خانه» معروف است. این‌ها همه مال اجداد ما بوده. الآن هم قبر اجداد ما در مارشک هست. «محمدخان مینگ‌باشیان چولایی» از اجداد ماست. مینگ یعنی هزار؛ لقب مینگ‌باشی را به کسی می‌داده‌اند که هزار تا اسب و سوار داشته. یعنی قشون محمدخان در زمان خودش بیش از هزار سوار بوده. در قبرستان مارشک سنگ قبرهایی بوده که ۲۰۰۰ سال قدمت داشته؛ الآن معلوم نیست کی آن را برده. «گوهرشاد» هم از چولایی‌ها بوده. از خانواده ما بوده که عروس شاهرخ‌شاه تیموری شده و همین مسجد جامع را برای مشهد ساخته. به احترام گوهرشاد و منصبی که داشته، چولایی‌ها به او لقب «پیر زن» داده‌اند. کلمه پیر خیلی حرمت دارد. الآن زو(دره)ای نزدیک مارشک هست به نام «زوی پیرزن». این پیرزن، همان گوهرشاد است. «مهدی‌قلی بیک جانی قربانی» هم که میرآخور شاه عباس اول بوده، از ما چولایی‌هاست. «مسجد شاه» و «حمام شاه» را او وقف کرده. دور حرم مطهر را که خراب می‌کردند، رسیده بودند به این موقوفات. اختلاف افتاده بود بین اوقاف و آستانه. بعد دنبال گشته بودند ببینند کسی از چولایی‌ها مانده یا نه؛ که سراغ من آمدند. گفتند نظر شما برای این موقوفات چیست؟ گفتم اگر واقعاً نظر ما را می‌خواهید ما نظرمان این است که این‌ها بماند و خراب نشود. که خدا را شکر همان هم شد. الآن مسجد شاه دارد مرمت می‌شود؛ حمام شاه هم که مرمت شده.

◆ شما اهل کجای چولایی‌خانه هستید؟

من متولد مارشکم. پدر و پدربزرگم هم اهل مارشک بودند، اما در هزارمسجد هم مراتع داریم. اولنگ‌های هزارمسجد، هر کدامشان مال طایفه‌ای است. از قدیم همین بوده. سند دارند. محدوده دارند. بعدها اداره منابع طبیعی آمده، ممیزی کرده و پروانه داده. یک محدوده هزارمسجد مال اهالی «لاین» کلات نادر است. یک محدوده هم دست مارشکی‌هاست. آنجا عشایر هم می‌آیند؛ عشایر ایل بروانلو، ایل رشوانلو و ایلات دیگر. از قدیم همین بوده. من هم از بچگی که عقلم می‌کشید، قرقبان بودم در منطقه.

◆ آن‌سال‌ها وضعیت منطقه و حیات وحشش چطور بود؟

یک وقتی وضع خیلی بهتر بود. بالاسر همین کریم‌آباد زراعت بود. با گاو می‌کاشتیم. من بچه‌بودم. عصرها شکارها می‌آمدند توی زراعت‌ها؛ گل گل(گله به گله) از کریم‌آباد به بالا، یا از «گوش» به آن طرف، یا همین اطراف «مارشک»، همه این‌ها پر از شکار بود. بهترین کل و بزها بغل مارشک در زوی مارشک بود. همه آن زو، همه آن کمرها پر بود از کل و بز. اما کسی شکار نمی‌کرد. می‌گفتند این‌ها هم مخلوق خدا هستند. زمستان‌ها، هوا که یخبندان می‌شد، کبک‌ها همه می‌آمدند توی روستا. توی کاهدان‌ها پر بود از کبک. چیزی که بود این بود که آنجا کسی زنده‌گیری نمی‌کرد. البته شکارچی بود؛ شکارچی‌هایی پیدا شده بودند، اما کسی زنده‌گیری نمی‌کرد. کسی با دام و با چوب و سنگ، حیوانی را نمی‌کشت. کسی می‌آمد، تفنگی داشت و تیری می‌انداخت. گاهی می‌توانست حیوان را بزند و گاهی نمی‌توانست. هنوز شکار قاعده و قانونی نداشت. اداره شکاربانی بعدها راه افتاد.

◆ شروع به کار اداره شکاربانی را خاطرتان هست؟

بله. «شاهپور عبدالرضا» خودش آمد با «رشید جمشید» رفتند «اُرس سیستان» (منطقه حفاظت شده‌ای در مرکز کوهستان هزارمسجد) تا کل و بزهای آنجا را ببینند. به نظرم با «سیمرغ» هم آمدند. جاده‌ای نبود. حتی راه خاکی هم نداشت ارس سیستان. ماشین را گذاشتند مارشک و رفتند که منطقه را ببینند. وقتی دیدند، گفتند کل و بزهای اینجا بهترین کل و بزها هستند. من هنوز ۲۰ سالم نشده بود. آن سال‌ها جمعیت شکارها خیلی خوب بود. این وضع بود تا اینکه سال ۵۰ برف سنگینی آمد. آن‌قدر برف افتاد که ارتش آمد به کمک مردم. با هلی‌کوپتر کمک می‌رساندند. شکارها آنجا از بین رفتند. سرما کشتشان. اما باز دوباره گله‌ها رشد کردند.

◆ شکار مجوزدار هم از همان سال‌ها شروع شد؟

بله. اولین پروانه شکار را «حاج عباس رضایی» گرفت. تراشکار بود. تراشکاری داشت در مشهد، اما عشق شکار بود. اولین پروانه شکار را او گرفت. جیپ داشت. با همان جیپ رفتیم به منطقه. این، اولین ماشینی بود که وارد اُرس سیستان شد. دنبال راه مال‌رو را گرفتیم و با جیپ رفتیم. تفنگ برنویی داشت که تازه برایش جواز گرفته بود. آن وقت‌ها تفنگ‌ها یا برنو بودند یا «خفیف» یا «دولول». وقتی با برنو به شکارها تیر می‌زدند، شکارها فرار می‌کردند و می‌رفتند آن طرف‌تر می‌ایستادند. حیوان‌ها صدای برنو را نمی‌شناختند. فکر می‌کردند صدای پایه‌ای چیزی است. آن وقت‌ها گله‌های شکار زیاد بود. کل و بزها پایین نمی‌آمدند، اما قوچ و میش‌ها می‌آمدند و مراتع را چرا می‌کردند. اصلاً جایشان همانجا بود.

◆ اینکه شب و روز را در کوهستان در باد و باران می‌گذراندید، سخت نبود؟

نه. چرا سخت باشد؟ ما اصل کارمان از بهار بود تا برج پنج و ۶. یعنی همان وقتی که رمه‌ها در منطقه هستند. پس از آن گاهی سری می‌زدیم و مراتع را سرکشی می‌کردیم تا کسی خانه یا مرتعی را خراب نکند. اوایل با اسب می‌رفتم، بعدها با موتور. نان می‌بردیم از روستا. ۱۰ تا ۲۰ تا نان را می‌بستیم لای دستمال و می‌رفتیم. قرمه می‌بردیم. رشته آش می‌بردیم و حبوبات. برنج می‌بردیم و سیب‌زمینی و پیاز. همه را توی توبره می‌چیدیم و می‌گذاشتیم ترک حیوان یا ترک موتور. پخت و پزش هم با خودمان بود. عشایر هم که می‌آمدند، ما را تحویل می‌گرفتند. مرتع را برایشان نگه داشته بودیم و نگذاشته بودیم کسی آسیبی بزند. با شتر می‌آمدند و «ملّه» (محل نگهداری دام‌ها در بهار) را بر پا می‌کردند و چادر می‌زدند. از راه که می‌رسیدند، یک بره زمین می‌زدند و می‌کشتند. بعد هم که همیشه بساط شیر و ماست و فتیر مسکه به راه بود. وضع خوب بود تا وقتی که اسلحه‌ها افتاد دست مردم. آن موقع دیگر می‌آمدند و شکارها را می‌زدند. یک بنده خدایی، تیربار برده بود توی منطقه، ۵۰۰ تا تیر به یک گله زده بود تا توانسته بود یک بز و یک بزغاله بزند. این وضعی بود که با آن درگیر بودیم. روی ستون‌های برق عقاب طلایی نشسته بود، یکی اسلحه‌اش را در آورده بود و ترق، حیوان را زده بود و رفته بود. حتی نمانده بود که ببیند حیوان زنده است یا مرده.

همه عمرم را در کوه و کمر گذرانده‌ام

دلم غش می‌رود برای «هزارمسجد»

◆ الآن وضعیت در منطقه هزارمسجد چطور است؟

الآن الحمدلله وضع شکارها خوب شده. الآن گَل صدتایی هم در منطقه دیده می‌شود. همین الآن در «جنگل خواجه» نزدیک سرخس -ما آنجا ملکی داریم و زراعت می‌کنیم- شکارها می‌آیند و زراعت‌ها را می‌چرند.

◆ آنجا «گور» هم داشت؟

نه، گورخر نداشتیم. البته یکی دو تایی دیده شد، اما اینکه گله‌ای باشد، نه. گورها خود سرخس بودند؛ از «پل خاتون» به آن طرف. الآن اما دیگر اصلاً خبری از گور نیست. خیلی حیوان داشتیم که الآن دیگر نیست. اما هزارمسجد این‌طور نیست؛ چون مراقبش بودیم. در هزارمسجد یکی دوبار حیوان قرمزرنگی را دیدم. هرچه فکر کردم نفهمیدم این چه حیوانی است. از شکار ریزتر بود. بعدها در جنگل‌های شمال، یک بار «شوکا» (گونه‌ای گوزن) دیدم و فهمیدم آن حیوانی که در هزارمسجد دیده‌ام، شوکا بوده.

◆ یعنی در هزارمسجد شوکا هم داشته‌ایم؟

داشته‌ایم چیست؟ همین تازگی‌ها دوباره دیدم.

◆ خب این ثبت شده؟ کسی توانسته از شوکا در منطقه عکسی بگیرد؟

نه هنوز، اما من خودم دیده‌ام. چه عکسی از این بالاتر؟ یکی در «زنبورک» درگز دیدم، یکی در منطقه «گُرکان» نزدیک «اولنگ شاهی» و یکی هم در خود «ارس سیستان».

◆ پلنگ هم دیده‌اید؟

فراوان.

◆ درگیر هم شده‌اید؟

نه؛ اصلاً. پلنگ کاری به کار آدم ندارد. حیوان بی‌آزاری است. مگر روی طعمه‌ای باشد یا مثلاً بچه‌اش را کسی بگیرد، والّا پلنگ اصلاً کاری به کار آدم ندارد.

◆ حالا که اینجا در شهر هستید، دلتان برای هزار مسجد تنگ نمی‌شود؟

تنگ نمی‌شود؟! دلم غش می‌رود برای منطقه. اتفاقاً تابستان که پایم بدتر هم بود، دو سه بار ماشین سوار شدم و رفتم توی منطقه. حالا هم پایم بهتر بشود می‌روم. اینجا نمی‌مانم. گاهی با خدا حرف می‌زنم. می‌پرسم آخر مرا چه به مرض قند؟ من از نورالی می‌آمدم به سیستان. از آنجا می‌آمدم به مارشک. شب و روز راه می‌رفتم. می‌دانید دنبال متخلف‌ها چقدر راه می‌رفتم؟ من چرا باید مرض قند بگیرم؟ اما خب کار خداست. با خدا که نمی‌شود چک و چانه زد. هر چه امرش باشد، مقدر می‌شود. باز هم خدا را شکر. عمرم را در کوه و کمر گذراندم. ۷۰ سال از خدا عمر گرفته‌ام و عین ۷۰ سال را در کوه و کمر بوده‌ام و آب چشمه خورده‌ام. نه مثل شماها که توی شهر به دنیا آمده‌اید و همینجا هم پیر می‌شوید. شماها از دنیا چه فهمیده‌اید؟

۵۰ سال با طبیعت همراه بوده‌ام

همه خانواده‌ام یک پا قُرُقبانند

من ۵۰ سال به بالاست که قرقبان عشایری‌ام. همیار محیط زیست هم هستم، اما افتخاری. بیمه اما با من نامردی کرد. ۱۰۰، ۱۵۰ نفر از عشایر نامه نوشتند که این آدم قرقبان است، قبول نکردند. بازهم دم همین اداره عشایری گرم که هوای من را دارد و حقوقم را می‌دهد. ۵۰ سال است که قرقبانم. اگر دنیا را به من می‌دادند که یک خال علف بده، گوسفندی بچرانیم، می‌گفتم نه. الآن زنم، پسرهایم، دخترهایم همه عاشق محیط زیست هستند و احساس مسئولیت می‌کنند. همه‌شان یک پا قرقبان هستند. منطقه را ما حفظ کردیم. آن موقع کلات، اداره محیط زیست نداشت. سرخس هم اداره‌ای نداشت. این‌ها همه را ما یواش یواش جا انداختیم؛ اینکه کجا باید منطقه حفاظت شده باشد. شناسایی همه این مناطق با من بوده. افتخار هم می‌کنم. کارشناس‌ها را برده‌ام و شکارها را نشانشان داده‌ام که بدانند کجا را باید منطقه حفاظت شده اعلام کنند. یک روز رفتم سر سیستان، دیدم ۹ تا ماشین است با هفت، هشت تا موتور. اوایل انقلاب بود. گفتم وضع این‌طوری است و من حاضرم کمک کنم. همان روز راه افتادیم، رفتیم از عشایری که آنجا آمده بودند، پنج تا شکاری که زده بودند را گرفتند. عشایری که به منطقه می‌آمدند، توجهی نداشتند. اُرس‌ها را قطع می‌کردند و با چوبش سقف خانه‌شان را می‌پوشاندند. درخت‌های ارس چند صد ساله را آتش می‌زدند تا خشک بشود و سال بعد بیایند و اره‌اش کنند برای چوبش. یا درخت را می‌سوزاندند که از چوبش زغال درست کنند. می‌دیدی چوپانی، ارسی را آتش زده که گرم شود. چند دقیقه‌ای می‌ماند، گرم می‌شد و بعد هم می‌رفت به امان خدا.

من با این‌ها درگیری‌ها داشتم. دیدم نمی‌شود. نشستم و با مردم صحبت کردم. گفتم چرا این کارها را می‌کنید؟ توضیح دادم که این علف، این درخت، مال خودتان است. گفتم چرا زمین‌ها را تخریب می‌کنید؟ خب این‌طوری که اگر باران بیاید، همه خاک را می‌شوید و با خودش می‌برد. بگذارید زمین علف داشته باشد. ریشه‌های آن علف، زمین را برایتان نگه می‌دارد. خیلی با مردم حرف زدیم و شکر خدا که مردم هم همکاری کردند. حالا دیگر کسی اُرسی نمی‌برد و زمین مرتعی را خراب نمی‌کند. همین کارها را کردیم که هزارمسجد هنوز هزارمسجد است.

دیدید امسال همه جای مملکت سیل آمد. چرا از سمت آفتاب‌روی هزارمسجد سیلی نیامد؟ اگر می‌آمد، می‌دانید چه شهرها و روستاهایی را آب می‌برد؟ سیل نیامد چون هنوز خاک هزارمسجد علف دارد. خاکی که علف داشته باشد، آب را در خودش نگه می‌دارد و نمی‌گذارد سیل بشود. هرجا که مرتع‌ها را شخم بزنند، خب سیل می‌شود.

اما چه فایده از آن همه جان کندن؟ الآن باید در «ژرف» پاسگاه می‌بود؛ مارشک پاسگاه می‌داشت؛ «آبقد» و «امرودک» و «بقمچ» و «ریشخوار» و «تیرگان» هم هر کدام پاسگاه می‌داشتند. الآن در کل منطقه یک پاسگاه است که خیلی کم است.

پیشنهاد سفر

نگاهی به کوهستانی که در شمال مشهد گسترده شده است

در هوای هزارمسجد

هزارمسجد، هزار و یک دره دارد، با اُرس‌های تنومند و رودخانه‌های پرآب و هزار و یک دیواره، با عقاب‌هایی که در سنگ و صخره‌های آن آشیانه کرده‌اند. هر کدام از شهرهای اطراف هزارمسجد راهی به این کوهستان دارند. از مشهد یا از کلات نادری و درگز و قوچان و چناران می‌شود راهی به دل این کوهستان پیدا کرد؛ راه‌هایی که تا همین سال‌های اخیر، مال‌رو بود و تنها عشایر، سختی‌های عبور از آن‌ها را تاب می‌آوردند. حالا اما چند سالی است هزارمسجد، مقصد بسیاری از طبیعتگردها و بیراهه‌نوردها شده. آن‌ها از هر طرف که بتوانند وارد کوهستان می‌شوند و خودشان را به محدوده مرکزی هزارمسجد می‌رسانند؛ جایی که می‌شود زیباترین منظره‌های طبیعت بهاری هزارمسجد را دید؛ منطقه‌ای وسیع و کمتر شناخته شده به نام «اُرس سیستان». ارس سیستان و اولنگ(علفزار)هایش، ییلاق دامدارهایی است که در دشت‌های پایین‌دست سکنا دارند. قانون‌های نوشته و نانوشته، حدود هر یک از مراتع را مشخص کرده است و اولنگ‌های ارس سیستان به دامداران روستاهای «مارِشک» و «کریم‌آباد» در بالادست سد «کارِده» در ۵۰ کیلومتری مشهد رسیده است؛ جایی که ابتدای مسیر سفر به منطقه حفاظت شده «اُرس سیستان» هم هست.

کوچی بر پشت نیسان

مارشک، یک روستای کوهپایه‌ای است و روی شیب کوه بنا شده است. جاده از سد کارده تا مارشک آسفالت است، اما پس از آن تا دل منطقه ارس سیستان، خاکی است. صبحانه را اگر بخواهید می‌توانید در سایه درختان باغ یکی از اهالی بخورید. اهالی مارشک میانه خوبی با غریبه‌ها دارند. غریبه‌هایی که سر و کله‌شان در این روستا پیدا می‌شود، یا طبیعتگردهایی هستند که با کوله‌پشتی‌های بزرگ راه افتاده‌اند تا زیبایی‌های هزارمسجد را در منطقه اُرس سیستان ببینند یا عکاس‌هایی که با لنزهای تله آمده‌اند تا طبیعت این منطقه را به تصویر بکشند. بهار که می‌رسد و کوچ بهاره که آغاز می‌شود، مارشک شلوغ‌تر از همیشه است. حتی حالا هم که سیلاب‌های بهاره، جاده خاکی را خراب کرده است، باز هم می‌شود نیسان‌های آبی را دید که با انبوهی بار و بنه، از شیب تپه‌ها بالا می‌روند. سیلاب، خاک را شسته و گل و لای و شن و سنگ را غلتانده روی جاده. به سختی می‌شود ماشین را روی جاده نگه داشت. این وضعیتی است که عشایر در همه فصل کوچ با آن روبه‌رو هستند. نیسان‌های آبی که حالا جای اسب و قاطر را گرفته‌اند، باید در همین جاده‌های سنگلاخی پر گل و لای بروند و بیایند و زار و زندگی عشایر را جابه‌جا کنند.

آبادانی به دعای امام(ع)

با ۳۱۵۰ متر ارتفاع، قله هزارمسجد بلندترین نقطه کوهستان هزارمسجد است. قله هزارمسجد از آن قله‌هایی است که با ماشین می‌شود تا بالای آن رفت. البته ترجیح این است که ماشین را همان پایین بگذارید تا آرامش کوهستان با صدای آن نخراشد. پیش از رسیدن به قله اصلی، یک قله کوچک‌تر وجود دارد که مشرف به دشت پایین‌دست است. جابه‌جا در دامنه‌های زیرپا، درخت‌ها و درختچه‌های اُرس روییده‌اند. ارس‌ها از این بالا لکه‌های کوچک سبزرنگی دیده می‌شوند که دشت پایین دست را نقطه نقطه کرده‌اند. اهالی ارس سیستان به این کوه «آت‌قولاق» می‌گویند که واژه‌ای ترکی به معنی «گوش اسب» است. از چشم‌انداز آن طرف کوه، یعنی از منطقه نورالی، کوهی که قله هزارمسجد بالای آن است، با دو قله خود، مثل گوش‌های اسب به‌نظر می‌آید. قله هزارمسجد هم بیشتر از آنکه انتهای یک مخروط باشد، میدانگاه وسیعی است که مشرف به دشت‌های زیرپاست. اگر هوا مه‌آلود نباشد، از بالای «تخت سیستان» می‌شود بخش وسیعی از منطقه اُرس سیستان را دید. از بالای قله، اولنگ شاهی و دشت نورعلی را می‌شود دید. اهالی هزارمسجد، این کوه را مقدس می‌دانند. آن‌ها معتقدند حضرت علی(ع) در حق این کوهستان دعا کرده و به سوی این کوهستان اشاره کرده است. آن‌ها پرآبی و سرسبزی هزارمسجد را از همین دعا می‌دانند.

از «پایکا» تا «پلنگ»

دره‌های ارس سیستان، زیستگاه جانوران فراوانی هم هست. از روباه و تشی تا کل و بز و پلنگ؛ اما هیچ‌کدام به فراوانی «پایکا» نیستند. پایکاها جانوران کوچک اما چاق و چله‌ای هستند که لابه‌لای سنگ و صخره می‌شود آن‌ها را دید که یا آفتاب می‌گیرند یا مشغول جویدن برگ‌ها و ساقه‌های علف هستند. پس از پایکا، روباه شاید فراوان‌ترین جانور ارس سیستان باشد. توی دامنه‌ها که چشم بکشی، حتماً می‌توانی روباهی را ببینی که سرش را از لای علف‌ها بالا آورده و اطرافش را نگاه می‌کند.زنجیره کاملی از حیات وحش در هزارمسجد بویژه در منطقه ارس سیستان زیست می‌کنند؛ زنجیره‌ای که از جانوران جونده شروع می‌شود و به سم‌داران می‌رسد. در بالای این زنجیره غذایی هم پلنگ‌ها حضور دارند. اهالی ارس سیستان و چوپان‌هایی که رمه‌ها را در دامنه‌های این منطقه می‌چرانند، خاطره‌های فراوانی از دیدن پلنگ دارند. پلنگ‌ها جانوران محتاطی هستند و معمولاً جایی که آدم‌ها، دام‌ها و سگ‌هایشان باشند، آفتابی نمی‌شوند، اما چراندن رمه‌ها در ارتفاعات، شانس روبه‌رو شدن با پلنگ را افزایش می‌دهد. اهالی البته می‌دانند که پلنگ‌ها کاری به‌کار رمه‌ها ندارند. آن‌ها شکار خودشان را دارند. کل و بزها، طعمه اصلی پلنگ‌ها هستند؛ البته اگر شکار بی‌رویه یا تخریب مراتع، جمعیتشان را کاهش ندهد.

ارس سیستان، یکی از بهترین زیستگاه‌های دال(کرکس) و دال سیاه هم هست. جمعیت دال‌ها در این کوهستان جمعیت قابل توجهی است. شاخ و برگ ارس‌های تنومند که در ارتفاعات دور از دسترس روییده‌اند، جان می‌دهد برای لانه‌سازی. دال‌ها البته می‌توانند در شکاف کوه‌ها هم لانه کنند. این لانه البته باید آن‌قدر محکم و بزرگ باشد که جثه پرنده و جوجه‌هایش را تحمل کند. کرکس مصری عضو دیگر خانواده دال‌هاست که در آسمان هزارمسجد هم فراوان دیده می‌شود. ارتفاعات بلند ارس سیستان و علفزارهای پر از جانورش، جای مناسبی برای زیست انواع کرکس‌هاست.

با وسعت ۱۱۲هزار و ۷۱۴هکتار منطقه حفاظت شده، ارس سیستان از وسیع‌ترین مناطق تحت حفاظت خراسان رضوی است. طبق قوانین زیست‌محیطی یک پنجم مناطق حفاظت شده «منطقه امن» است. در منطقه امن نه کشاورزها می‌توانند کشاورزی کنند و نه دامدارها می‌توانند گله‌هایشان را بچرانند. معمولاً بهترین جمعیت‌های جانوری هم در همین مناطق امن دیده می‌شوند. منطقه امن ارس سیستان، جایی حوالی قله هزارمسجد است.

حجت‌الاسلام حجامی در گفت‌وگو با قدس بر ضرورت هوشیاری در مواجهه با سوءاستفاده و کج‌فهمی از اعتقاد به ظهور منجی تأکید کرد

مهدویت و جریان‌های انحرافی

طرح: مسعود نجاتی

معارف/ مریم احمدی شیروان | هر چند که موعودگرایی و اعتقاد به مهدویت در تمام ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی و اندیشه‌های تمامی فرق و نحل وجود داشته و دارد اما مانند بسیاری دیگر از آموزه‌های وحیانی در معرض آسیب‌ها و انحرافاتی نیز بوده است؛ کم نبوده‌اند افرادی که مدعی ارتباط با امام زمان(عج) بوده و یا حتی پا را از این فراتر گذاشته و خود را نماینده حضرت در بین مردم یا حتی صاحب‌الزمان معرفی کرده‌اند. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حسین حجامی، پژوهشگر حوزه مهدویت و عضو هیئت مدیره انجمن علمی مهدویت حوزه علمیه قم، انحرافات و سوءاستفاده‌ها از مهدویت را بررسی کردیم. آنچه در زیر می‌خوانید بخشی است از این گفت و شنود که امید آن داریم با کمک آن بتوانیم در مسیر درست، به سوی موعود گام برداریم.

◆ از همان سده‌های نخستین اسلامی شاهد شـــکل‌گیری انحرافاتی پیرامون مهدویت و مفاهیم مرتبط با آن بوده‌ایم و امروزه در قالب ادعاهای دروغین و برداشت‌های انحرافی که حتی در قالب جریان‌های مشخصی بروز پیدا می‌کند، همچنان با این مسئله مواجهیم. علت آن را چه می‌دانید؟

مهدویت و انحرافات در اهل ســـنت و شیعه متفاوت است. برای اهل سنت بحث مهدویت به گونه‌ای که در شیعه وجود دارد، نیست زیرا بین آن‌ها خصوصیات حضرت مهدی(عج) به طور کامل مشـــخص نشده است؛ مشخص نبودن مشـــخصات و خصوصیات او سبب شـــده که ادعای مهدویت در اهل سنت آسان شود. آن‌ها بر این باورند که خود مهدی هم تا زمانی که خدا به او اذن دهد، نمی‌داند مهدی موعود است؛ یعنی هر فرزندی متولد شـــود و سید باشد، ممکن است مهدی باشد. حتی افرادی در اهل سنت ادعای مهدویت کرده‌اند که سید هم نبوده‌اند و نسب سید برای خود درست کرده‌اند، اما در شیعه به این صورت نیســـت؛ زیرا خصوصیات مهدی(عج) به طور کاملاً مشخص در آن ذکر شده است. البته پیش از تولد امام زمان(عج) عده‌ای از شیعیان برای بعضی از امامان و یا افراد، ادعای مهدویت کردند اما پذیرفته نشد و پس از مدتی منقرض شـــدند. از آن‌جایی که مهدویت در کانون توجه شیعیان قرار دارد، عده‌ای به فکر کسب منافع می‌افتند تا بتوانند خود را به عنوان کسانی که با مهدی(عج) ارتباط دارند معرفی کنند. این افراد از عواطف شیعیان و علاقه به امام زمان(عج) سوءاستفاده کردند تا به منافع خود برســـند. شیعیان معمولاً در رفتار انحراف ایجاد می‌کننـــد ولی عده‌ای دیگر هم هستند که تخصص لازم را برای مطالعه در خصوص مهدویت نداشـــته و به روایات و منابع اولیه مهدویت رجـــوع می‌کنند. آن‌ها ســـعی می‌کنند بدون اینکه استادی داشته باشند از این منابع برداشت اعتقادی کنند که همین ســـبب بروز انحـــراف در اعتقادات مهدویت می‌شود که متأسفانه در عصر حاضر شاهد افراد بسیاری با این رویکرد هستیم.

◆ اهمیت مباحث مرتبط با این حوزه سبب شده است که حتی غرب با استفاده از ابزارهای هنری و رســـانه‌ای وارد صحنه شود و تحت عناوین آخرالزمانی در پی جریان‌ســـازی به نفع خود باشد. به نظر شما هدف آن‌ها چیست؟

نگاه غربی‌ها به منجی‌گرایی از دو زاویه قابل بررسی است. نخست اینکه غرب به فکر ترویج منجی‌گرایی خود است و این امر بیشتر به مسیحیان صهیونیست برمی‌گردد که بسیار بیشـــتر از یهودیان به موضوع اســـرائیل بزرگ به عنوان زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی(عـــج) اهمیت می‌دهند. زاویه دیگر مربوط به تخریب چهره مهدویت در اسلام بخصوص بین شیعه است. در گذشته پس از ادعای مهدویت توسط مهدی ســـودانی و افراد دیگر، آن‌ها سعی کردند به مفاهیم مهدویت مانند موضوع مرجعیت که به عنوان نایب امام زمان مطرح اســـت و می‌توانـــد کارهای زیادی انجام دهد، آســـیب بزنند. اقدامی که سبب می‌شد آن‌ها بتوانند حرکت‌زایی مهدویت در اهل ســـنت و مفاهیم مربوط به مهدویت مانند مرجعیت که حافظ کیان شیعه اســـت را بکوبند. غربی‌ها تلاش کردند مهدویت را در فیلم‌هایشان مطرح کرده و حرکت‌های انحرافی را در بین شیعیان ایجاد کنند. حتی در بین اهل سنت افرادی مانند غلام احمد قادیانی با ادعای مهدی موعود و عیسی مسیح بودند که در زمان سلطه انگلستان بر هند، از طرف آن‌ها و برای اینکه مفهوم جهاد را زیر ســـؤال ببرند و بتوانند در آنجا حکومت بیشتری داشته باشند، حمایت می‌شدند. ولی اصل عمده این است که آن‌ها می‌خواهند چهره مهدویت را تخریب کنند تا بتوانند با همین ایده مهدویت، بخش زیادی از جمعیت اهل سنت را دور خود جمع کنند.

◆ گذشـــته از برخـــی سوءاســـتفاده‌ها و منفعت‌طلبی‌های شـــخصی، شـــاهدیم که جریان‌هـــای انحرافی داخل جهان اســـلام و حرکت‌های غربی در این زمینه، مسیر و هدف مشترکی پیدا می‌کنند؛ چرا؟

علت آن این است که هر دو آن‌ها دنبال یک مسئله هســـتند. نظام غرب دنبال این است که مهدویت را از بین برده و حرکت‌زایی شـــیعیان را نابود کند و در بین شیعیان مرجعیت و روحانیت شیعه که حرکت‌زا بودند را از بین ببرد. در بین جریان‌های داخلی هم باز مرجعیـــت و روحانیت در مقابل آن‌ها قرار می‌گیرند بنابراین هر چه در مقابل منافع آن‌ها قرار گیرد به او حمله می‌کنند. علت اینکه جریان‌های انحرافی غربی ســـعی کردند مهدویت را در جهان شیعه به انحراف بکشانند و اگر کسی ادعای مهدویت کرد به او پر و بال دهند، نیز همین اســـت. اینکه حتی در سازمان‌های جاسوسی خودشـــان افرادی را پرورش می‌دهند تا ادعای مهدویت، نیابت یا ادعاهای دیگری مانند یمانی بودن و... مطرح کنند نیز به این دلیل است که آن‌ها هدف مشـــترکی را دنبال می‌کنند و دلیل اصلی آن وجود دشمن مشترکی به اسم مسلمانان دارند.

◆ با توجه به شفاف نبودن و کلی بودن اغلب مفاهیم و روایات حوزه مهدویت، هوشـــیاری مردم در برابـــر این انحرافات چگونه می‌تواند محقق شود؟

بله، همان طور که اشـــاره کردید مهدویت مسئله‌ای پیچیده اســـت و مردم به تنهایـــی نمی‌توانند در برابر انحرافات ایستادگی کنند بلکه باید روش‌های شـــناخت جریان‌های انحرافی را بشناســـند. آن‌ها نباید مســـتقیم به روایات مهدویت مراجعه کرده و از آن‌ها برداشـــت کنند. حتی به افرادی که گاهی لباس روحانیت نیز بر تن دارند نمی‌شود اعتماد کرد. در بحث‌های مهدویت مشاهده می‌شود بسیاری از افراد که به روایات تمســـک کرده‌اند، سابقه روایات را نمی‌داننـــد زیرا اگر بدانند متوجه می‌شـــوند که هر روایتی قابل استناد نیســـت. مردم برای اینکه در مهدویت مطالعه کنند حتماً باید به کتاب‌هایی که مورد تأیید مراکز مهدویت اســـت رجوع کنند و مطالعه آن‌ها حتماً زیر نظر اســـتاد باشد، خود به طور مســـتقیم به منابع مراجعه نکنند و اگر جایی برای آن‌هـــا ابهامی پیش آمده از اهل فن ســـوال کنند. اینکه آن‌ها پزشـــک، مهندس یا فرد موفقی در زندگی باشند دلیلی نیست که در برابر تحلیل مسائل دینی هم می‌توانند برداشت درستی داشته باشـــند. لازم است همه به متخصص هر حوزه و نه مدعی تخصص مراجعه کنند.

◆ به نظر شما راه تشخیص یک جریان اصیل که در حوزه مهدویـــت فعالیت می‌کند و با اعتقاد صحیح در مسیر ظهور حرکت می‌کند، از یک جریان انحرافی کـــه به دنبال منافع شخصی اســـت و یا در مسیر تحقق اهداف دشمنان دین گام برمی‌دارد چیست؟

جریان‌های انحرافی به دنبال ترویج احساس‌گرایی هستند. یعنی سعی می‌کنند احساسات افرادی که در جلساتشان شـــرکت می‌کنند، برانگیزند. آن‌ها ذکرها و دعاهایی شبانه‌روزی برای تعجیل در ظهور امام زمان(عج) به افراد می‌دهند و به ظاهر ارتباط عاطفی با امام زمان(عج) را زیاد می‌کنند. محصور و محدود شـــدن به این بحث، نشانه آن است که این جریان در آینده به انحراف کشیده خواهد شد. فعالیت‌های مهدوی باید فردمحور نباشـــد. اینکه فردی برای خود جایگاهی درست کرده و خودش را در رأس آن فعالیت قرار می‌دهد، نشان می‌دهد که به احتمال زیاد این جریان در آینده به انحراف کشیده خواهد شد. قداســـت‌ســـازی برای افراد نیز از دیگـــر نشـــانه‌های جریان‌های انحرافی اســـت. جریان‌های انحرافی بـــا روحانیت و مراجع تقلید و آن‌هایی که با مهدویت صحیح آشـــنایی دارند، دشمنی دارند. مردم اگر دیدند که جریانی مهدوی از دعوت روحانیون و اهل فن برای ســـخنرانی در مجالس‌شان پرهیز می‌کند، بدانند این جریان در آینده مشکل‌ساز خواهد بود. جریان‌های انحرافی تشکیلات ســـازمانی دارند. فرمانده ظهور، افسر ظهور، ســـرباز ظهور و... هم نشانه‌هایی از انحراف اســـت. معمولاً ایـــن جریان‌ها ســـعی می‌کنند مشکلات افراد را از طریق دعا، ورد و... حل کنند. ضمن اینکه آن‌ها به دنبال درمانگری هستند. البته این مورد غیر از بحث پزشـــکی حتی طب سنتی اســـت. اگر جریانی را دیدید که توسط دعا، ذکر خاص و... برای حل مشـــکل اقدام کرد، نشان از انحرافی بودن آن است.

برش

> جریان‌هـــای انحرافـــی بـــه دنبال ترویج احســـاس‌گرایی هســـتند. یعنی ســـعی می‌کنند احساســـات افرادی که در جلساتشان شرکت می‌کنند، برانگیزند. آن‌ها ذکرها و دعاهایی شبانه‌روزی برای تعجیل در ظهـــور امام زمان(عج) به افراد می‌دهند و به ظاهر ارتباط عاطفی با امام زمان(عج) را زیاد می‌کنند. محصـــور و محدود شـــدن به این بحث، نشـــانه آن اســـت کـــه این جریان در آینده به انحراف کشیده خواهد شد

یادداشت شفاهی

گزیده‌ای از گفتار آیت‌الله محسن اراکی درباره قیام و حکومت‌ولی‌عصر(عج)

ولایت، اساسی‌ترین مسئله تمدنی معاصر ماست

بزرگ‌ترین حادثه‌ای که در آینده جهان پیش از روز قیامت رخ خواهد داد، حادثه بزرگ قیام دولت مهدوی است؛ این حادثه بزرگ و عظیم دگرگونی همه‌جانبه‌ای را در جامعه بشر به وجود خواهد آورد. تمدن کنونی غرب، انسان را وارونه ساخته است؛ بنابراین کسانی که دغدغه یاری امام زمان(عج) را دارنـــد در عرصه نظر باید به نقد ریشـــه‌ای و بنیادین این تمدن وارونه بپردازند و این تمدن را برای جامعه بشر تبیین کنند و آسیب‌های وارد آمده از سوی آن به روابط بشر را معرفی کنند.

یکی از مهم‌ترین و اساســـی‌ترین تفاوت‌های بین تمدن اسلامی و تمدن غربی این اســـت که تمدن غرب رابطه بین «انسان و طبیعت»، «انسان و انسان» و «انســـان با خدا» را رابطه خصمانه تعریف می‌کند؛ در حالی که در نگاه اسلامی، رابطه بین انسان و طبیعت رابطه هماهنگی است؛ ستیز بین انسان و انسان چگونه برخاست؟ اساسی‌ترین رکن به هم ریختن نظام حاکم بر جهان این است که انسان پشت پا به نظام ولایتی می‌زند؛ مسئله ولایت، اساسی‌ترین مسئله تمدنی معاصر ماست.

امام زمان(عج) حاکم بالفعل است؛ ما جهان رها و بی‌حکومتی نداریم؛ امام صـــادق(ع) حاکم بالفعل بود؛ قاضی عزل و نصب می‌کرد؛ خمس دریافت می‌کرد و... ؛ این تصور که برخی فکر می‌کنند ائمه در دوره‌هایی دســـت به سیاست نزدند تصور باطلی است؛ حال اینکه اکثریت بشر به حاکمیت ایشان تن ندادند دلیل بر بی‌حکومت بودن نیست بلکه گستره حاکمیت متفاوت بوده اســـت. در فرهنگ اسلامی و دینی چیزی به عنوان غیبت امامت نداریم؛ محال بودن غیبت امامت نشـــان از محال بودن نداشـــتن حکومت ولایت بر جهان است. این همه دشمن جهان تشیع را با تمام قوا احاطه کرده و با همه ابزارها در حال حمله به تشیع هستند؛ مگر می‌توان گفت امام راحل بدون کمک و عنایـــت امام زمان(عج) به این پیروزی‌ها دســـت یافت؟ یا رهبری در این ۳۰ ســـال، در این تنگناهای حساس که با اقتدار توانستند جامعه را هدایت و رهبری کنند، بدون عنایت حضرت ولی‌عصر(عج) بوده است؟

مهم‌ترین مقدمات ظهور، جا انداختن ولایت حضرت ولی‌عصر(عج) در دنیا است؛ حکومت الهی را باید برای جامعه اسلامی توجیه محسوس و عقلی کنیم؛ مسئله ولایت باید در جامعه جهانی تبیین شود و در حوزه‌های علمیه بحث امامت و ولایت به عنوان یک درس رســـمی و اساسی مطرح شود؛ اینکه حضرت علی(ع) در خیبر را از جا کند، قدرت جسمانی نبود؛ قدرتش این بود که رسول خدا گفت برو و این کار را انجام بده و او هم رفت و این کار را با قدرت الهی انجام داد.

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۰۱۸۶/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۰۲۵۲
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۱۱۴۵ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱
دفترخانه ازدواج شماره ۹۴ و طلاق شماره ۱ شهر مشهد استان خراسان رضوی

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه پرونده ۹۸۰۰۲۵۲

بدین وسیله به – ابوالفضل وطن دوست نام پدر: علی تاریخ تولد: ۱۳۵۵/۰۳/۱۶ شماره ملی: ۰۹۴۴۵۷۰۷۲۰ شماره شناسنامه: ۹ در ایدار می‌شود که خانم- هانیه فرهمند نام پدر: حسینعلی تاریخ تولد: ۱۳۶۳/۰۶/۳۰ شماره ملی: ۰۹۴۴۴۵۱۶۵۹ شماره شناسنامه: ۱۵۲ جهت وصول تعداد ۳۶۳ عدد سکه کامل طلای بهار آزادی به استناد مهریه مندرج در- سند ازدواج: شماره سند: ۸۶۸۹ تاریخ سند: ۱۳۷۹/۰۴/۲۵، دفترخانه صادرکننده: دفترخانه ازدواج شماره ۹۴ و طلاق شماره ۱ شهر مشهد استان خراسان رضوی علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۰۲۵۲ در ایدار اجرا اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۸/۱/۲۵ مأمور پست محل اقامت مدیون به شرح متن سند حضور نداشته، لذا بنا به تقاضای وکیل بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۰۹۰۳ م.الف ۹۹۷
اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۵۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۴۳۳/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۵۰۲۵۵۸
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۱۱۳۴ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱

آگهی ابلاغ ماده ۸۷– پرونده کلاسه ۹۵۰۲۵۵۸

بدینوسیله به خانم‌ها مریم ذبیحی نام پدر: محمدرضا تاریخ تولد: ۱۳۸۲/۱۰/۱۱ شماره ملی: ۰۹۲۷۵۴۰۱۳۴ شماره شناسنامه: ۰۹۲۷۵۴۰۱۳۴ و طاهـــره نـــادری نام پدر: حبیب تاریخ تولد: ۱۳۰۷/۱/۱ شماره ملـــی: ۰۵۳۲۶۰۸۱۰۰ شماره شناسنامه: ۱۶۰ ابلاغ می‌گردد خانم ملیحه عسگری نائینی نام پـــدر: رضا تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۸/۲۷ شماره ملی: ۰۹۳۹۵۰۹۱۵۶ شماره شناسنامه: ۴۴۷ جهت وصول مهریه خود به مبلغ یک میلیون ریال مقوم شده به مبلغ ۳۱۳/۴۷۹/۶۲۳ ریال در سند ازدواج شماره ۱۰۱۰۲- ۱۳۶۲/۰۵/۱۰ تنظیمی دفترخانه ازدواج شماره ۴۹ مشهد علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۵۰۲۵۵۸ در این اداره تشکیل شده که خانم ملیحه عسکری جهت وصول دیه مرحوم محمدرضا ذبیحی، مبلغ کل مهریه مبلغ ۳۱۳/۴۷۹/۶۲۳ ریال از محل دیه مرحوم بازداشت شده است لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۰۹۰۴ م.الف ۹۹۹
مسئول شعبه دوم اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره مزایده: ۱۳۹۸۰۴۳۰۶۰۹۱۰۰۰۰۲۰ تاریخ ثبت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۹
متن آگهی مزایده

آگهی مزایده اموال غیرمنقول پرونده کلاسه ۹۱۰۱۹۰۹

بانک تجارت بایستاد سند رهنی شماره ۳۵۱۱۲ مورخ ۱۳۸۶/۰۶/۱۲ دفترخانه ۳۲ مشهد اجرائیه‌ای تحت کلاسه ۹۱۰۱۹۰۹ در قبال مبلغ ۲/۸۵۶/۷۵۳/۲۶۰ ریال (دو میلیارد و هشـــتصد و پنجاه و شـــش میلیون و هفتصد و پنجاه و ســـه هزار و دویســـت و شصت ریال) که روزانه به مبلغ فوق براساس ســـند رهنی براساس درصد اضافه میگردد علیه آقای حســـین پایدارمنش- فرزند محمد- شماره شناســـنامه ۴۲۸- صادره مشهد- متولد ۱۳۵۳ بعنوان بدهکار و آقای محمدرضا جاهدی منصوری- فرزند محمدمهدی- شماره شناسنامه ۶۸۶- صادره مشهد- متولد ۱۳۳۵- بعنوان راهن صادر نمود که پس از ابلاغ اجرائیه در مورخه ۱۳۹۲/۰۴/۱۷ در پایان مهلت مقرر در آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرای و تقاضای بانک مبنی بر ارزیابی و مزایده تمامیت شدندانگ پلاک ثبتی ۲۰۸۶ فرعی از باقیمانده ۸ فرعی از ۲۳۴ اصلی بخش ۹ مشهد (پلاک ثبتی دو هزار و هشتاد و شش فرعی از باقیمانده هشت فرعی از دویست و سی و چهار اصلی بخش نه مشهد) ملکی آقای محمدرضا جاهدی منصوری به آدرس مشهد بلوار پیروزی- بین پیروزی ۲۰ و ۲۲- پلاک ۵۹۲ به مبلغ ۱۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یازده میلیارد ریال) ارزیابی و قطعیت یافته که حدود و مشخصات و توصیف اجمالی ملک بدین شرح می‌باشد.
۱- عرصه به مساحت ۱۴۹ مترمربع با تراکم مسکونی
۲- اعیان در دو طبقه جمعاً به مســـاحت حدود ۲۲۹/۵ مترمربع شـــامل همکف به مساحت حدود ۱۱۹ مترمربع دارای دو درب‌ند مغازه به مســـاحت ۲۸ مترمربع (۱۲+۱۶) و یک واحد مســـکونی دارای دو اتاق خواب و هال و پذیرایی با کف ســـرامیک و کابینت فلزی و حمام و ســـرویس که بنا بر اظهارات مســـتأجر مغازه ۱۲ متری (لوازم التحریری) سرقفلی متعلق به مالک نمی‌باشد.
طبقه اول: به مســـاحت حدود ۱۱۰/۵ مترمربع دارای دو اتاق خواب و هال و پذیرایی و آشـــپزخانه با کف ســـرامیک و حمام و سرویس.
ســـازه آن نیمه اســـکلت فلزی با سقف ضربی و سیستم ســـرمایش آن کولر آبی و گرمایش آن بخاری گازی و نمای آن سنگ میباشد لذا ارزش کل پلاک فوق با عنایت به موقعیت مکانی، ابعاد هندسی، نوع بنا، نوع کاربری، قیمت امتیازات آب و برق و گاز، رونق نسبی منطقه و سایر عوامل مؤثر در کارشناسی به ترتیب ذیل می‌باشد:
۱- ارزش عرصه و اعیان جمعاً به مبلغ ۷/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲- ارزش تجاری به مساحت ۲۸ مترمربع به مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳- ارزش انشعابات به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
جمع کل ارزش ملک برابر ۱۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یازده میلیارد ریال)
حدود اجمالی ملک بدین شرح می‌باشد. شمالاً هشت متر پی به خیابان، شرقاً به طول ۱۹ متر پی به پی پلاک ۲۰۸۵ فرعی جنوباً به طول ۸ متر پی به پی پلاک ۲۱۰۳ فرعی غرباً به طول ۱۸/۴۴ متر پی به پی پلاک ۲۰۸۷ فرعی ملک موصوف برابر نامه شـــماره ۱۳۹۸۸۵۶۰۶۲۶۶۰۰۰۲۶۹ مورخه ۹۸/۱/۲۸ دفتر املاک بازداشـــتی فاقد بازداشتی می‌باشـــد. مزایده بصورت ششـــدانگ از مبلغ ارزیابی در قبال مبلغ ۱۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع شد. مزایده در روز یکشـــنبه مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۹ از ســـاعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل شـــعبه اول اجرای ثبت مشـــهد واقع در خیابان امام خمینی جنب بانک ملی کوچه ثبت شـــروع و به بالاترین قیمت پیشـــنهادی نقداً واگذار می‌گردد. به عنوان حق مزایده و نیم عشـــر دولتی و حق مزایده زائد بر مبلغ مزایده و ســـایر هزینه‌های قانونی اعم از معلوم یا نامعلوم طبق تبصره ۶ ماده ۱۲۱ بعهده برنده مزایده میباشـــد و چنانچه روز مزایده با تعطیلی مواجه گردد روز بعد مزایده برگزار خواهد شـــد.
آ- ۹۸۰۰۹۰۵ م.الف ۱۰۰۰
ریاست ا داره اجرای اسناد رسمی مشهد- لعلی

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۰۱۸۰/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۰۲۴۱
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۰۹۵۹ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷
دفترخانه ازدواج شماره ۱۰۴ و طلاق شماره ۸۵ شهر مشهد استان خراسان رضوی

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه پرونده ۹۸۰۰۲۴۱

بدین وســـیله به- ســـیدمحمد جوادالحســـینی رســـتگار نام پدر: ســـیدجواد تاریخ تولد: ۱۳۶۷/۰۶/۲۷ شـــماره ملی: ۰۹۴۶۲۴۰۲۴۸ شـــماره شناســـنامه: ۲۳۸۲۲ ابـــلاغ می‌شـــود کـــه خانـــم- مریم صوفی نـــام پدر: کمـــال تاریخ تولد: ۱۳۷۵/۰۴/۲۵ شـــماره ملی: ۰۹۲۳۷۵۸۶۶۶ شـــماره شناســـنامه: ۰۹۲۳۷۵۸۶۶۶ جهت وصول تعداد یکصد و چهارده عدد ســـکه کامل طلای بهار آزادی به اســـتناد مهریه مندرج در- ســـند ازدواج: شـــماره ســـند: ۱۳۰۶۲، تاریخ ســـند: ۱۳۹۴/۰۴/۲۹، دفترخانه صادرکننده: دفترخانه ازدواج شـــماره ۱۰۴ و طلاق شـــماره ۸۵ شـــهر مشهد استان خراسان رضوی علیه شـــما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۰۲۴۱ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۸/۱/۲۴ مأمور پســـت محل اقامت مدیون به شـــرح متن سند حضور نداشـــته، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محســـوب می‌گردد، نســـبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۰۹۰۶ م.الف ۱۰۰۱
اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۰۵۴۹۱/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۹۰۵۰
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۱۱۵۶ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱
دفترخانه ازدواج شماره ۲۷ و طلاق شماره ۱۵ شهر مشهد استان خراسان رضوی

آگهی

بدیـــن وســـیله به آقای علیرضا فلاح دوســـت شهرســـتانی نام پدر: حســـین تاریـــخ تولد: ۱۳۵۷/۰۵/۱۹ شـــماره ملی: ۰۰۷۱۵۱۲۴۳۸ شماره شناسنامه: ۲۹۶۶ ابلاغ می‌شود که خانم سمیه قرائی جهت وصول ۱۰۰ عدد سکه بهار آزادی به اســـتناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۴۷۷۰- ۱۳۹۵/۰۲/۲۷ دفتر ازدواج ۲۷ مشهد علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاســـه ۹۷۰۹۰۵۰ در این اداره تشـــکیل شـــده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۹ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشـــار محلی آگهی می‌شـــود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محســـوب می‌گردد، نســـبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیـــات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۰۹۰۷ م.الف ۱۰۰۲
اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۰۰۸۸/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۰۱۲۷
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۱۱۶۱ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱
دفترخانه ازدواج شماره ۷۴ شهر مشهد استان خراسان رضوی

آگهی

بدین وســـیله به آقای حســـین دیهیم نام پـــدر: علی اصغر تاریخ تولد: ۱۳۷۰/۱۲/۰۳ شـــماره ملـــی: ۰۹۲۱۷۳۲۵۰۳ شـــماره شناســـنامه: ۰۹۲۱۷۳۲۵۰۳ به نشانی: طبق سند: مشـــهد، بلوار ۲۲ بهمن، بهمن ۲۶ کوچه شهید حسین‌پور پلاک ۱۷ ابلاغ می‌شـــود که خانم زهره زنده دل جهت وصول ۱۱۴ عدد ســـکه بهار آزادی به اســـتناد مهریه مندرج در ســـند ازدواج شـــماره ۲۱۳۵۰- ۱۳۹۱/۰۸/۱۶ دفتر ازدواج ۷۴ مشهد علیه شـــما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاســـه ۹۸۰۰۱۲۷ در این اداره تشـــکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۰ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن ســـند شـــناخته نشـــده، لذا بنا به تقاضای بســـتانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشـــار محلی آگهی می‌شـــود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محســـوب می‌گردد، نســـبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۰۹۰۸ م.الف ۱۰۰۳
اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۳۰۰۰۰۲۱/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۰۰۹۱
شماره آگهی ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۳۸۰۶۰۹۳۰۰۰۰۰۱ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه: ۹۸۰۰۰۹۱

بدینوسیله به آقای مصطفی محمدعلی فتح‌آبادی نام پدر: علیرضا تاریخ تولد: ۱۳۷۱/۰۶/۲۴ شماره ملی: ۰۸۶۰۲۶۴۷۶۹ شماره شناسنامه: ۰۸۶۰۲۶۴۷۶۹ بدهکار پرونده کلاسه فوق‌الذکر که آدرس شما برابر گزارش مأمور پست در مورخه ۱۳۹۸/۰۱/۱۸ شـــناخته نگردید، ابلاغ میگردد که به اســـتناد قبوض اقســـاطی به شماره‌های ۸۸۸۵۹۰ الی ۸۸۸۵۹۹، تاریخ سند: ۱۳۹۷/۰۹/۰۲ اجرائیه‌ای تحت کلاسه ۹۸۰۰۰۹۱ جمعاً به مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به خانم کوثر الیاسری بدهکار می‌باشـــید که بر اثر عدم پرداخت، بســـتانکار درخواست صدور اجرائیه نموده و پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و به کلاسه فوق در این اجراء مطرح می‌باشد. لذا طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی به شما ابلاغ می‌گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب میشود که فقط یک نوبت در روزنامه قدس چاپ و درج و منتشر می‌گردد، ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد. آ- ۹۸۰۰۹۰۹ م.الف ۱۰۰۴
رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد- علیرضا لعلی

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۰۲۳۶/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۰۳۱۰
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۱۱۷۰ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۱/۳۱
دفترخانه ازدواج شماره ۹۷ شهر مشهد استان خراسان رضوی

آگهی

بدین وسیله به آقای عباسعلی بلوکی نام پدر: علی اکبر تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۰۶/۳۰ شماره ملی: ۱۰۶۴۲۹۵۶۶۵ شماره شناســـنامه: ۱۲۶ به نشـــانی: مشـــهد امام هادی ۱۹ خیابان لاله ۱ پلاک ۱۴۳ ابلاغ می‌شود که خانم مریم سعادت‌پور جهت وصول ۱۲۱ عدد ســـکه بهار آزادی به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۵۰۵۳۱- ۱۳۸۸/۱۰/۲۲ دفتر ازدواج ۹۷ مشـــهد علیه شـــما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاســـه ۹۸۰۰۳۱۰ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۷ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشـــار محلی آگهی می‌شـــود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محســـوب می‌گردد، نســـبت به پرداخت بدهی خ

کلینزمن: هیچ‌کس از آینده خبر ندارد!

ورزش: در هفته‌های اخیر نام یورگن کلینزمن به عنوان یکی از گزینه‌های هدایت تیم ملی آلمان مطرح شده و این سرمربی آلمانی احتمال برگشت به بوندسلیگا را رد کرد. در هفته‌های اخیر اخباری در مورد احتمال حضور یورگن کلینزمن روی نیمکت هرتابرلین منتشر شده بود اما وی مدعی شد این اخبار صحت ندارد. کلینزمن گفت: «من اخبار شنیده‌ام که اخیراً در بازار برگشت من به بوندسلیگا منتشر شده و اگر چه هیچ کس از آینده خبر ندارد، اما من این اخبار را تکذیب می‌کنم؛ با توجه به عهد تمایل اولیه‌ام برای برگشت به بوندسلیگا، شاید خبر سکاندار ی او در تیم ملی بزودی تبدیل به واقعیت شود.

رونالدو مسافر بغداد شد

ورزش: ستاره مرزبانی به همراه کارول مدیریتی باشگاه اسپانیایی برای مذاکره و راه‌اندازی آکادمی رئال عراق خواهد شد. یک ماه بعد از امضای رسمی قرارداد میان فدراسیون عراق و باشگاه رئال مادرید برای راه‌اندازی رسمی آکادمی پرورش بازیکن و استعداد در این کشور، ستاره محبوب برزیلی مسافر عراق شد تا به مدت ۷۲ ساعت مهمان قرارداد توسان دوشهر بغداد و نجف باشد. بنا به نوشته سایت «عراق اسپورت»، رونالدو نازاریو دلیما تا یکی دو هفته آینده به همراه کارول مدیران باشگاه‌های رئال والیادولید همین طور رئال مادرید برای راه‌اندازی و افتتاح آکادمی های بازیکن‌سازی دوباشگاه راهی عراق می شود تا در شهرهای بغداد و نجف حضور داشته باشند.

از رئال اصرار از بیل انکار؛ جدایی ممکن نیست!

ورزش: نشریه مارکا گزارشی در مورد بیل منتشر کرد که در آن ادعا شده بود سران رئال قصد دارند به طور قطع به همکاری با این بازیکن خاتمه دهند و اگر تیمی برای جذب دائمی او پیش قدم نشود حتی حاضر به انتقال قرضی ستاره ولزی نیز هستند. اما در گزارش دیگر ادعا کرد که بیل پس از انتشار این خبر برای سران رئال پیغام فرستاده است که هیچ علاقه‌ای برای جدایی ندارد و می خواهد در رئال بماند. از نظر قطعا انتقال قرضی را رد خواهد کرد و اگر در نهایت مجبور به جدایی شود، به صورت دائمی این کار را انجام خواهد داد. قرارداد بیل تا ۲۰۲۲ اعتبار دارد.

درخواست ویژه کانیگیا از دیبالا

ورزش: کلودیو کانیگیا، اسطوره فوتبال آرژانتین از پائولو دیبالا خواست تا مسئولیت بیشتری در الیی سلسته قبول کند. دیبالا در تیم ملی آرژانتین نیز زیر سایه مسی قرار دارد. او ۱۹ بازی ملی انجام داده و تنها یک گل برابر مکزیک در دیداری دوستانه به ثمر رسانده است. کانیگیا، ستاره سابق تیم ملی آرژانتین معتقد به دیبالا گفت: «دیگر کسی می خواهی جوده را نشان دهی؟ ۲۵ سال داری، در بیونوس شماره ۱۰ را به تن می کنی و در دنیا تو را به عنوان بازیکنی بزرگ می شناسند. دوست دارم در تیم ملی هم بدرخشی و نقش بیشتری را بر عهده بگیری.»

ضدحمله

همه چیز درباره نبرد شهرخودرو - استقلال

سکوهای مشهد قرمزپوش می شوند

ورزش: سخنگوی باشگاه پدیده شهر خودرو گفت: فقط ۱۰ درصد از جایگاه هواداران ورزشگاه امام رضا(ع) به هواداران تیم فوتبال استقلال اختصاص پیدا می کند. جواد طاری بخش گفت: با موافقت کلابی شهردار مشهد تعداد ۲۰ هزار کارو قرمز برای هواداران پدیده شهر خودرو تهیه شده است که همزمان با ورود هواداران در اختیار آن ها قرار خواهد گرفت. همچنین با ایجاد کمپین از شهدا تا با عنایت امام رضا(ع) و استقبال هواداران مشهدی شور و نشاط خاصی در بین مردم برای حمایت از نماینده مشهد در لیگ برتر برای این بازی ایجاد شده است. طاری بخش همچنین در خصوص بلیت فروشی این مسابقه تصریح کرد: بلیت فروشی دیدار تیم‌های پدیده شهر خودرو و استقلال تهران از ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۷ اردیبهشت در سه محل آغاز خواهد شد.

مدیر رسانه ای باشگاه پدیده افزود: بلیت فروشی این بازی در دو رنگ آبی و قرمز در سه نقطه شهر مشهد انجام خواهد شد که بر این اساس هواداران تیم پدیده شهر خودرو می توانند بلیت های خود را از دو نقطه سالن شهید بهشتی و مجموعه ورزشی کارگران واقع در میدان فردوسی خریداری نمایند. همچنین هواداران تیم استقلال می توانند بلیت های خود را از مجموعه ورزشی تختی تهیه کنند. سخنگوی باشگاه پدیده شهر خودرو با درخواست از هواداران مشهدی گفت: تیم پدیده شهر خودرو برای کسب سهمیه آسیایی به پیروزی در این بازی نیاز دارد و بر همین اساس از هواداران مشهدی تقاضا داریم تا زودتر در روز ورزشگاه حضور پیدا کنند، تا در صورت تکمیل ظرفیت ورزشگاه پشت درهای ورزشگاه نمانند و با حضور خود انگیزه ای مضاعف به بازیکنان تیم منتقل نمایند.

نگرانی سرمربی السد از دیدار با پرسپولیس

ورزش: به نقل از سایت رسمی تیم فوتبال السد قطر، مانولو فریرا پس از پیروزی نیمش در هفته چهارم لیگ ستارگان قطر برابر باخاتکور ازبکستان با نتیجه ۲ بر یک و صدرنشینی در گروه D گفت: همچنان هدف سختی را پیش رو داریم و حریفان قدرتمند هستند. اگر در بازی اینده پیروز شویم می توانیم صعود کنیم. به ویژه این که پس از بازی با الاهلی در دوحه راهی ایران می شویم و همه می دانند پرسپولیس در خانه با حضور تماشاگرانش چه تیمی قدرتمندی است. سرمربی تیم السد با اشاره به پیروزی در دور رفت برابر پرسپولیس در نانیه‌های پایانی افزود: تمام بازیکنان تیم السد بخوبی می دانند اگر می خواهیم برنده شویم باید تا نانیه پایانی مبارزه کنند.

اعتراض پرسپولیس به شادی گل بازیکنان الاهلی

ورزش: باشگاه پرسپولیس دومین نامه اعتراضی خود را به خاطر اتفاقات بازی با الاهلی عربستان به کنفدراسیون فوتبال آسیا ارسال کرد. باشگاه پرسپولیس با توجه به ادامه رفتارهای غیر اخلاقی باشگاه الاهلی عربستان در بلیت فروشی که به بروز مشکل برای بسیاری از هواداران این تیم منجر شد و همچنین دراوکشن به رفتار بازیکنان این تیم در شادی پس از گل، نامه‌ای را خطاب به کنفدراسیون فوتبال آسیا و ناظر مسابقه صادر کرد. بازیکنان الاهلی پس از آنکه گل اول خود را به ثمر رساندند به سمت تماشاگران پرسپولیس رفته و مرتکب رفتارهای غیر قابل قبول شدند.

فتاحی: نمایندگان دنبال حق پخش باشند نه ماجرای تراکتورسازی

ورزش: مسئول کمیته مسابقات سازمان لیگ فوتبال گفت: نمایندگان مجلس از تراکتورسازی به عنوان پلکان استفاده نکنند. سعید فتاحی درباره حواشی بازی تراکتورسازی با پیکان تاکید کرد: در هر ورزشگاهی اتفاقی رخ بدهد، داور و ناظر باید گزارش بدهند تا آن را کمیته انضباطی ارجاع بدهیم. روز گذشته لایه‌هایی از اتفاقات برای تراکتورسازی ارسال شده و این باشگاه فرصت دارد تا دفاعیه خود را بدهد.

مسئول کمیته مسابقات سازمان لیگ در خصوص اعتراض نمایندگان مجلس به وزیر ورزش و فدراسیون فوتبال تصریح کرد: کاش نمایندگان مجلس به ورزش کمک کنند نه اینکه به خاطر یک اتفاق، تراکتورسازی را پلکان خود قرار بدهند. دوستان کاش از قبل فضا، امکانات و زیرساخت‌ها را فراهم و از بحث حق پخش دفاع می کردند.

برای نخستین بار صورت می گیرد

استفاده از کمک داور ویدئویی در فینال لیگ قهرمانان آسیا

ورزش: کمک داور ویدئویی (VAR) قرار است برای نخستین بار در رقابت‌های لیگ قهرمانان فوتبال آسیا و فقط در دیدار فینال مورد استفاده قرار بگیرد. روزنامه «الریاضیه» عربستان اعلام کرد کنفدراسیون فوتبال آسیا قصد دارد از کمک داور ویدئویی در این فصل از مسابقات لیگ قهرمانان آسیا استفاده کند. البته این فناوری فقط در دیدار رفت و برگشت فینال مورد استفاده قرار می گیرد. پیش از این، کنفدراسیون فوتبال آسیا از فناوری VAR در مراحل پایانی جام ملت‌های آسیا استفاده کرده بود.

عبدالغنی: از دیدن بازی باقری لذت می‌بردم

ورزش: کاپیتان تیم فوتبال الاهلی عربستان بعد از پیروزی برابر پرسپولیس عنوان کرد که همیشه سبک بازی مربی پرسپولیس را می پسندیده است. حسین عبدالغنی در مورد اینکه خیلی وقت است بازی می کنید و بازی برابر کدام بازیکن ایرانی سخت بوده است گفت: بازی که سخت نبوده اما همیشه از بازی کریم باقری خوشم می آمد؛ چرا که او یک بازیکن متفاوت بود. با این حال ایران بازیکنان بزرگ دیگری مثل علی دایی و مهدوی کیا هم دارد.

بازی خداحافظی برای مبعلی، نوروزی و معینیی

ورزش: هم‌تیمی‌های سابق ایمان مبعلی، رضا نوروزی و علی معینیی قرار است یک بازی خداحافظی پس از اتمام لیگ برتر برای این سه بازیکن برگزار کنند. این بازی با حضور بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال ایذه و ستاره‌های خوزستانی لیگ برتر، پژمان منتظری علی کریمی، حسن بیت‌سعید، فرزاد جعفری، عباس عسکری، میلاد میلادوی، رحیم زهوی، طالب رنگانی، عقیل کعبی، مصطفی بیژنی، میلاد شیخی سلیمانی، احمد عبدالله‌زاده، ایوب والی، سجاد بوحمدان، عبدالله کریمی، احمد آل نعمه، آرش افشین، محمد طیبی، مبثم دورقی و... برگزار می‌شود. در حاشیه این دیدار از مربیان سابق این سه بازیکن نیز قدردانی می‌شود.

چرا گل خلیل‌زاده ارزشمند است؟!

ورزش: گلی که شجاع به ثمر رساند سبب شد تا پرسپولیس برنده بازی روز دوم الاهلی شود. بالا گل پرسپولیس به نوعی بازی رودررو با الاهلی را به نفع خود خاتمه داد تا در صورت تساوی امتیاز این دو تیم، پرسپولیس در رتبه بالاتر قرار بگیرد. خلیل زاده که در این بازی یک کارت زرد گرفت، با این گل به نوعی اشتباهات خود را جبران کرد. البته اکنون الاهلی ۶ امتیاز وضعیت مطلوب‌تری برای صعود دارد. پرسپولیس ۴ امتیازی برای این که در رده دوم قرار بگیرد باید حداقل ۴ امتیاز از بازی با السد و باخاتاکور کسب کند.

نگاهی به نیمکت پرسپولیس که تعویض طلایی ندارد

تیرهای مشقی برانکو

جواد رستم‌زاده: تایب قهرمان آسیا این روزها در بد مخمصه ای گرفتار شده است. قرمزنشینی پرسپولیس در گروهی نه چندان سخت در آسیا در سال زمانی اتفاق افتاده است که پنجره های نقل و انتقالاتی این تیم باز شده و سرخپوشان به اندازه یک جین بازیکن خوب و درشت جذب کرده اند. این در حالی است که سال قبل برانکو با تیمی تنها مشکل از ۱۴ بازیکن و پنجره ای بسته در قامت مدعی تمام حریفان ریز و درشت غرب قاره کهن را درو می کرد.

بی اعتمادی به نیمکت

تیمی که تایب قهرمان آسیا شد فقط ۳ نیمکت نشین داشت و کلی مصدوم. در تیم سال قبل حمیدرضا طاهرخانی، آدام همتی و علوان زاده هرگاه به میدان می آمدند دست و دل هواداران می لرزید اما آنها کولاک می کردند و اتفاقاً روی اتکا به همین مردان بود که نماینده ایران نافرسال آسیا پیش رفت. امسال اما با وجود سنگین شدن نیمکت سرخ ها و جولان مردان با کیفیتی چون رفیعی، ترابی و شیری در خط میانی این تیم به توفیقی دست نیافته و با هدر دادن فرصت های پرشمار در بازی آسان به الاهلی دوبر یک می بازد. طعنه آمیز اینکه امسال برانکو روی نیمکت عالیشاه، شریفی، بوذیمیر، همتی و... را دارد اما تعویض های اخیر مدر کروات نشان می دهد که او حتی به خریدهایش هم نتوانسته اعتماد کند و به سختی تن به تغییر ترکیب تیمش می دهد.

بیخ و میوه شر یقی

مقابل الاهلی برانکو در کمال تعجب محمد امین اسدی را به عنوان بازیکن تعویضی وارد زمین کرد. این در حالی است که مهاجم چون سرخ ها متوانست در زمین کاری انجام دهد و البته چیزی جز این هم پیش بینی نمی شد. اما نقطه ابهام این جاست که چرا سرمربی سرخ ها از مهدی شریفی در این بست استفاده نکرد؟ شریفی که در تابستان به پرسپولیس پیوست، با بیرانهم پرسپولیس همیشه هافبک راست و چپ بازی کرده و هیچ وقت در بست تخصصی اش قرار نگرفته است. به نظر می رسد برانکو این بازیکن را یک ونینگر می شناسد و اعتقادی به ویژگی های او در قالب یک مهاجم دوگانه ندارد آن هم در شرایطی که شریفی روز گاری در خط حمله سیاهان جزو بهترین مهاجمان نوک لیگ برتر بود و شاید انتظار می رود، پروفسور حداقل یک بار به این بازیکن در بست مهاجم نوک بازی بدهد.

جای خالی منشا

ماریو بودیمیر که برای حل مشکل گلزنی به پرسپولیس آمده بود تا اینجای کار تنها یک گل به ثمر رسانده و علی رغم نمایش های نسبتا خوب، نتوانسته توانایی هایش را به معرض نمایش بگذارد. پرسپولیسی ها در نیم فصل منشا را در لیست مازاد گذاشتند چرا که او در یک نیم فصل تنها دو گل زده بود اما حالا بودیمیر کروات با تنها یک گل عملکرد دهمیفته تری داشته است. منشا البته در تیمی که به فینال آسیا رسید رد پای پر رنگی داشت و هنوز از آتش بازی اش مقابل الدحیل فر آزادی و پلس بی نقصش به نعمتی مقابل السد می توان خاطره هاتفل کرد. البته قومز ها درباره موضوع مصدومیت بودیمیر شفاف سازی هم نکرده اند و معلوم نیست که مشکل بودیمیر دقیقا چه چیزی است؟ واقعیت این است که بازیکنان تعویضی امسال نتوانستند در تنگناهای مهم عصای دست برانکو باشند. شاید از بین تعویضی ها تنها یوسف بود که با سرعت بیشتری توانسته به قوم مدنظر کادرفنی برساند و هرگاه به میدان آمده موفق شده روند بازی را تغییر دهد. مقابل الاهلی زمینه ساز گل شجاع خلیل زاده شد و شوت تنابه های آخرش تا مرز تغییر نتیجه پیش رفت. اما در ادامه فصل و در ۷ بازی حساس پیش رو باید دید نقش بازیکنان نیمکت نشین بیشتر خواهد شد و مربی اگر نتواند اتفاق که پیش از این بارها رقم خورده بود و تیم المپیک به واسطه دخالت های کمیته ملی المپیک قربانی شده بود تا ناگامی محض برای فوتبال ایران باقی بماند. در این نوروز نیز به نظر می آید ماجرا جویی هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک و تمایل به نقش آفرینی سید رضا صالحی امیری باعث شده کار گره بخورد.

دمل چرکین اختلافات

البته در ارتباط با فعالیت کرانچار در تیم المپیک از همان بدو ورودی به ایران برای همکاری با فدراسیون فوتبال مشکلاتی وجود داشت اما اوبوشانی استیلی و نزدیکان تیم المپیک باعث شد این تنش ها رسانه ای شود اما بعد از اتمام مرحله نخست ابتدا مخالف ادامه فعالیت کرانچار بود و تصور می کرد با قطع همکاری فدراسیون با این مربی او به عنوان سرمربی جدید معرفی خواهد شد اما وقتی متوجه شد وی هیچ جایی میان کاندیداهای مربیگری تیم المپیک ندارد مخالف برکناری سرمربی شد چون یقین داشت اگر کرانچار برود رئیس کمیته فنی با تاج صحبت می کند و مسائلی در جلسه رو گذشته مطرح شد و نظر کمیته فنی را به اطلاع تاج می رساند.

استیلی در مورد اینکه زمزمه هایی در مورد حضور مهدی مهدوی کیا یا یحیی گل محمدی برای جانشینی زلاتکو کرانچار شنیده می شود، تصریح کرد: در حال حاضر با کسی صحبت نکردیم. کرانچار فعلا با ما قرارداد دارد و تا زمانیکه هدایت تیم امید، ار عهده دار از احتمال اخلاقی درست نیست این کار انجام شود.

وی در مورد اینکه خیلی از تیم‌ها از دوهای خود را برای حضور در مرحله نهایی انتخابی المپیک آغاز کردند اما تیم امید در این مدت برای مسابقات نداشته است، گفت: این مسئله به دلیل مسابقات لیگ برتر است. در این مدت زمانی برای برگزاری اردو نداشتیم. اردوی اولیه تیم امید در خردادماه برگزار می شود. تمام تلاش‌مان را می کنیم تا برنامه‌های تمرینی تیم امید را با فیفادی برگزار کنیم. قرار است با سعید فتاحی هم هماهنگی لازم صورت بگیرد و برنامه‌های تیم امید در لیگ دیده شود تا مشکلی از این بابت نداشته باشیم.

امیدها قربانی اختلافات بی پایان فدراسیون و کمیته ملی المپیک شدند

افق تاریک کرانچار

سینا حسینی: شایعه برکناری قریب‌الوقوع زلاتکو کرانچار از رهبری کادر فنی تیم المپیک در رسانه های گروهی شوک بزرگی به بازیکنان این تیم و اهالی فوتبال بود. ملاقات تاج و صالحی امیری اما سبب شد موضوع قطع همکاری با این مربی کروات جدی تر شود. اما بعد از گذشت چند روز از این اتفاق حالا خبر می رسد که شاید کرانچار در تیم المپیک ماندگار شود چون فعلا گزینه ای برای هدایت این تیم وجود ندارد. مدیران کمیته ملی المپیک بشدت مخالف این تصمیم هستند و بر این باورند که در صورت تداوم حضور این کادر فنی، ایران در این دوره نیز دلی قرار نخواهد بود. سهمیه ورودی المپیک را بدست آورد، تنش ها میان مدیران کمیته ملی المپیک و کمیته فنی فدراسیون فوتبال باعث شد تا یک بار دیگر سرنوشت این تیم همانند ادوار گذشته گرفتار اما و اگر شود. اتفاقی که پیش از این بارها رقم خورده بود و تیم المپیک به واسطه دخالت های کمیته ملی المپیک قربانی شده بود تا ناگامی محض برای فوتبال ایران باقی بماند. در این نوروز نیز به نظر می آید ماجراجویی هیئت اجرایی کمیته ملی المپیک و تمایل به نقش آفرینی سید رضا صالحی امیری باعث شده کار گره بخورد.

دمل چرکین اختلافات

البته در ارتباط با فعالیت کرانچار در تیم المپیک از همان بدو ورودی به ایران برای همکاری با فدراسیون فوتبال مشکلاتی وجود داشت اما اوبوشانی استیلی و نزدیکان تیم المپیک باعث شد تا بیش از همه رسانه ای شود اما بعد از اتمام مرحله نخست ابتدا مخالف ادامه فعالیت کرانچار بود و تصور می کرد با قطع همکاری فدراسیون با این مربی او به عنوان سرمربی جدید معرفی خواهد شد اما وقتی متوجه شد وی هیچ جایی میان کاندیداهای مربیگری تیم المپیک ندارد مخالف برکناری سرمربی شد. چون یقین داشت اگر کرانچار برود رئیس کمیته فنی با تاج صحبت می کند و مسائلی در جلسه رو گذشته مطرح شد و نظر کمیته فنی را به اطلاع تاج می رساند.

پول بی پول

حالا خبر می رسد کمیته ملی المپیک برای رئیس فدراسیون فوتبال پیغام فرستاده در صورت باقی ماندن کرانچار این نهاد بین المللی ورزشی که مسئولیت تیم های مرتبط با حوزه المپیک را دارد در سایوت مالی تیم خودداری خواهد کرد و دیگر هیچ مسئولیتی را نخواهد پذیرفت و باید فدراسیون فوتبال خودش هزینه ها را قبل کند و مسئولیت ناکامی هم برعهده شخص تاج خواهد بود.

استیلی: از نظر اخلاقی درست نیست ناکامی مذاکره کنیم

حمید استیلی، مدیر تیم فوتبال امید ایران در مورد جلسه کمیته فنی و توسعه فدراسیون فوتبال، گفت: زلاتکو کرانچار در مورد کارهایی که انجام شده و عملکردی که کروات دارد؟ برخی منابع خبری مدعی اند حمید استیلی قرار است امروز اینجا باشد اما بعد از اتمام مرحله نخست رقابت های انتخابی المپیک دمل چرکین اختلافات در داخل تیم سر باز کرد تا این تیم امید مشکلات فراوان شود.

به همان میزانی که سید رضا صالحی امیری علاقه مند به خروج کرانچار از تیم المپیک است، مهدی تاج هم با وی هم عقیده است چون خوب می داند با جلب حمایت صالحی امیری می تواند بار مالی ناشی از فعالیت های این تیم در مسابقات انتخابی را به دوش کمیته ملی المپیک بگذارد تا این به ترتیب از پرداخت مطالبات و هزینه های سنگین این مجموعه را از سر باز کند. اما به همان مقدار که کمیته ملی المپیک و مهدی تاج با ادامه حضور این مربی کروات مخالفند برخی اعضای کمیته فنی فدراسیون بر این باورند که نباید تصمیم احساسی گرفت و باید اجازه داد کرانچار بر نهاه های منتظر خود را به اجرا در آورد. اما از آنجا که هزینه های جاری و آماده سازی تیم از سوی کمیته ملی المپیک تامین می شود مطمئنا تصمیم گیری از دایره قدرت فدراسیون فوتبال خارج و به سمت سوئل شمالی سوق داده خواهد شد.

حمایت عجیب

با این حال حمید استیلی که یکی از موافقان حضور این مربی در راس کادرفنی تیم المپیک است صراحتا مقابل تصمیم رئیس فدراسیون و رئیس کمیته ملی المپیک ایستاد تا با کسی مذاکره نشود اما چرا حمید استیلی با وجود اطلاع از برخی ناتوانی هایی کرانچار اصرار به ماندن این مربی کروات دارد؟ برخی منابع خبری مدعی اند حمید استیلی ابتدا مخالف ادامه فعالیت کرانچار بود و تصور می کرد با قطع همکاری فدراسیون با این مربی او به عنوان سرمربی جدید معرفی خواهد شد اما وقتی متوجه شد وی هیچ جایی میان کاندیداهای مربیگری تیم المپیک ندارد مخالف برکناری سرمربی شد. چون یقین داشت اگر کرانچار برود رئیس کمیته فنی با تاج صحبت می کند و مسائلی در جلسه رو گذشته مطرح شد و نظر کمیته فنی را به اطلاع تاج می رساند.

روزهای سخت پیش رو رئیس جدید فدراسیون

تیم ملی «جودو» روی پل ناکامی ها

ورزش: رقابت های جودو قهرمانی آسیا به مدت سه روز به میزبانی امارات در ابوظبی برگزار شد و تیم ملی کشورمان با ۹ شرکت کننده در بخش مردان توفیقی در کسب مدال نداشت و با یک عنوان پنجمی و دو عنوان هفتمی به کار خود پایان داد.

این نتیجه در واقع ضعیف‌ترین نتیجه جودو ایران در ۲۵ سال گذشته است. اما در ثبت این نتیجه ضعیف نمی توان مدیریت فعلی فدراسیون را مقصر دانست. همانگونه که اگر قهرمان آسیا هم می‌شدیم نباید آن را به پای رئیس جدید می گذاشتیم. میراسماعیلی به احتساب روزهای تعطیل ابتدای سال تردیک به یک ماه مسئولیت جودو ایران را قبول کرده و در این مدت تلاش خود را برای آماده سازی تیم ملی به کار گرفت.

برای بررسی دقیق تر دلایل این نتیجه ضعیف نگاهی به دو سال مدیریت محمد درخشان در فدراسیون جودو می تواند مسائل مختلفی را روشن کند. مدیریتی که نه نگاه گلخانه‌ای که نگاه گلدانی به تیم ملی داشت و جوانان با آتیه را به طور کلی نادیده گرفت.

تیم ملی ایران با هدایت محمد منصوری دو دوره رقابت های قهرمانی آسیا را تقریباً با ترکیبی کامل پشت سر گذاشت. سال ۲۰۱۶ خجسته نقره گرفت و ملایی به نشان برنز دست یافت و سال ۲۰۱۷ هم رستوئژاد و ملایی دو نقره گرفتند. از این بین سه نفر، خجسته به تیم تابناپان رفت و رشنوئژاد هم در هلند پناهنده شد.

کادر فنی تیم ملی طی دو سال گذشته بیش از ۳۰ تورنمنت بین المللی از جمله گرندپری و گرندسلام را تجربه کرده است. سعید ملایی، محمد برمانلو و جواد محجوب به تناوب پای ثابت تمامی این سفرها بودند و هیچ جودوکار دیگری به این رقابت‌ها اعزام نشد.

عدم اعتماد به جوانان

در همین مسابقات فجیره فتحی پور، نیک اقبال، نوری زاده و... مقابل بهترین‌های جهان مبارزات بسیار خوبی را به نمایش گذاشتند و تنها و تنها به کمبود تجربه خود عادته و حذف شدند. اگر در طول دو سال گذشته حداقل دوبار کادر فنی که آن‌ها اعتماد می کرد و میدان‌های بزرگ را تجربه می کردند، شاید می‌توانستیم در این رقابت‌ها هایکی دو برنز کسب کنیم که اگر هم کسب می‌شد، نمی‌توانست دلیلی بر موفقیت آرش و تیم کاری او باشد.

اینکه جودو ایران در مسابقات قهرمانی جهان درخشید و با دو طلا و برنز حاصل تلاش ملایی و برمانلو (پیروش یافته در طول سالهای قبل)، به کار خود پایان داد و یا در بازی‌های آسیایی با دو نقره و برنز موفقیت خوبی بدست آورد، جای تقدیر دارد و نمی‌توان بی توجه به این موفقیت‌ها بود. ولی آیا همه ضعف‌های جودو ایران پشت این موفقیت‌ها پنهان نشد؟

کار آرش میراسماعیلی در جودو ایران سخت و دشوار است؛ چرا که باید این تیم شکست خورده را جمع کند. مدیریت فدراسیونی که خیلی‌ها به دنبال نقطه ضعف برای انتقاد هستند از هر زمانی دشوارتر به نظر می‌رسد.

مصاحبه پل پوگبا در آستانه دربی شهر منچستر

شکست دادن «سیتی» لذت‌بخش‌ترین احساس است

امیر محمد سلطان پور: چند شکست پیاپی، حذف شدن از جام حذفی و لیگ قهرمانان اروپا و عقب ماندن از قافله مدعیان کسب سهمیه لیگ قهرمانان در فصل آینده، باعث شده نگرانی ها در مورد این چند هفته پایانی میان هواداران پرشمار قرمزها شدت بگیرد. همانطور که سولشر اشاره کرد یونایتد برای جبران شکست شوکه آور ۴-۰ در ابتدای هفته در زمین اورتون سریعا نیاز به یک بازی دیگر برای احیا شدن دارد و چه دیداری بهتر از دربی منچستر برای آن ها که بتوانند هم شرایط خود را سرو سامان ببخشند و هم تعیین کننده سرنوشت قهرمانی باشند. این هفته، بسیاری از جمله سولشر، بازیکنان یونایتد را به عدم انگیزه متهم کرده اند که یکی از هدف های اصلی آن ها بل پوگبا بوده است. در زیر مصاحبه اسکای اسپورتس را با این ستاره فرانسوی می خوانیم:

● **ابتدا از یکشنبه وحشتناک در گودیسون پارک و شکست سنگین مقابل اورتون بگو**

کلش می دانستم چه اتفاقی افتاد. زمانی که سولشر به تیم آمد، ما در خصوص انگیزه، شجاعت و دیگر جزئیات اینچنینی صحبت کرده بودیم اما روز یکشنبه انگار تیم دیگری بودیم و این اصلا خوب نیست. این اتفاق خوبی برای تیت در تاریخ باشگاهی مثل منچستریونایتد نیست. شکست در زمانی که برای فراگیری در جمع چهار تیم بالای جدول تلاش می کنیم خوب نیست و بخصوص این شکست که با نتیجه ۴-۰ رقم خورد بسیار بدتر بود. قصدی بر احترامی به اورتون را ندارم اما عملکرد خودمون، دیگر بازیکنان و همگی، نوعی توهین محسوب می شد. ما نه به خودمان، نه باشگاه و هواداران احترام نگذاشتیم.

● **تو می گویی به هواداران بی احترامی کردید اما چه برنامه‌ای برای عذرخواهی از آن ها دارید؟**

آن ها تمام زندگی خود را برای ما گذاشته اند و ما نتوانستیم از آن لذت متقابل را به آن ها برگردانیم. به همین دلیل است که ما از خود عصبانی هستیم. ما باید بهتر عمل کنیم و قطعا هم این کار را خواهیم کرد. تنها راه عذرخواهی از آن ها این است که در داخل زمین بهترین عملکرد خود را نشان دهیم و وقتیت برایم، گل برنیم. خوب دفاع کنیم و حتی اگر باختیم این را نشان دهیم که عملکرد خوبی در زمین داشته ایم و با افتخار بیازیم.

● **تو می گویی که شایعات درست نیست اما مطمئنا در این مدت تمام تلاشت توضیحات لازم را بیان کرد. این تیم امید در مسابقات دشته توضیحات لازم را بیان کرد. اما در مسابقات فنی تمام تلاش‌مان را می کنیم تا برای تیم امید فضای مناسب را فراهم کنیم

قدس زندگی
ادب و هنر
۱۴ چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸
۱۸ شعبان ۱۴۴۰ | ۲۴ آوریل ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۹۴۸

خبر

برگزاری آیین نکوداشت «امیر داستان انقلاب»

ادب و هنر: آیین نکوداشت زنده‌یاد استاد امیرحسین فردی «امیر داستان انقلاب» به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی برگزار می‌شود.

به گزارش قدس و به نقل از روابط عمومی حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی، آیین نکوداشت استاد امیرحسین فردی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان صاحبنام ادبیات انقلاب اسلامی، همزمان با ششمین سالگرد درگذشت وی در مشهد برگزار می‌شود.

این برنامه با حضور محمدرضا سرشار (داستان‌نویس، پژوهشگر و منتقد ادبی) و جمعی از فعالان عرصه فرهنگ و ادب ساعت ۱۷ روز پنجشنبه ۵ اردیبهشت در حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی (واقع در حد فاصل هاشمیه ۲۰ و ۲۲) برپا می‌شود.

امیرحسین فردی در مهرماه ۱۳۲۸ در روستای قره تپه واقع در دامنه جنوبی کوه سبلان چشم به جهان گشود. وی از روزنامه‌نگاران، نویسندگان و فعالان عرصه ادبیات داستانی ایران بود که عضویت در حوزه اندیشه و هنر اسلامی، سردبیری و مدیر مسئولی کیهان بچه‌ها به مدت بیش از ۲۷ سال و مؤسس و مدیر مسئول کیهان علمی، عضویت در شورای داستان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، عضویت در شورای داستان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، مسئولیت جشنواره انتخاب کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور، مسئولیت شورای ادبیات داستانی نیروی مقاومت بسیج و مدیریت کارگاه قصه و رمان و دفتر آفرینش‌های ادبی حوزه هنری از جمله سوابق اجرایی او است.

مجموعه رمان‌ها و کتاب‌های بسیاری همچون «آشیانه در مه»، «سیاه چمن»، «اسماعیل»، «گرگ سالی» و... از استاد به یادگار مانده است که با ارائه قلمی توانا و نثری روان، نام وی را به عنوان «امیر داستان انقلاب» جاودان کرده است. امیر حسین فردی در غروب روز پنجم اردیبهشت ۱۳۹۲ دارفانی را وداع گفت و به دیدار یاران شهیدش شتافت.

رمان جدید مظفر سالاری در نمایشگاه کتاب

تسنیم: همزمان با سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران کتابی دیگر از نویسنده متعهد و نام آشنا کتاب‌های رؤیای نیمه شب و دعبل و زلفا با نام «شب صورتی» در اختیار مخاطبان عزیز فرهنگ و هنر قرار می‌گیرد.

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم: خودش را روی صندلی انداخت. قلبش شروع کرده بود به نقاره زدن. دست روی سینه گذاشت. شاید آمده بودند نمایشگاه را ببینند. از جا پرید. دستپاچه شده بود. نمی‌دانست توی آشپزخانه قایم شود یا اتاق خواب. به خودش گفت: «برای چی باید مثل دزدها قایم بشم؟ کار بدی که نکرده‌ام. با این کارهای بچگونه، خودمو رسوا می‌کنم».

خبری نشد. با احتیاط به پنجره نزدیک شد. صدای خنده شنید. از گوشه پرده به حیاط نگاه کرد. باورش نمی‌شد! پس از دو هفته سخت، بالاخره داشت او را می‌دید. نگین و خواهرش هر کدام، خوشه‌ای انگور را زیر شیر حوض شستند و رفتند روی تاب نشستند. می‌گفتند و می‌خندیدند و آرام تاب می‌خوردند. نگین شبیه رامین می‌خندید. یک دستش را دور شانه ریحانه انداخت و با دست دیگر، خوشه انگور را بالای سر او گرفت تا قطره‌های آب، روی سر و صورتش بریزد. یک چشم نگین به پنجره‌های بالای ایوان بود تا کسی او را در آن حال نبیند. ریحانه خواست تلافی کند که نگین پایین خوشه‌اش را گاز زد. باز خندیدند. سینا بی‌صدا می‌خندید، گرچه به نظرش عادلانه نبود که خودش آن‌قدر به او فکر کند و او این‌قدر بی‌خیال و شاد باشد! در خیالش هم نمی‌گنجید بتواند پس از آن شب صورتی، او را مخفیانه و آن همه نزدیک، تماشا کند. هم از دزدانه دید زدن بدش می‌آمد، هم آرزویش این بود که تا ابد، پشت آن پنجره بایستد و تماشایش کند.

این کتاب در ۸۰ فصل با ۳۸۸ صفحه و در شمارگان ۲۵۰۰ جلد، با قیمت ۳۰ هزار تومان در نمایشگاه امسال عرضه می‌شود.

رونمایی از دومین کتاب وحید یامین‌پور در نمایشگاه کتاب

تسنیم: «ماجرای فکر آوینی» تازه‌ترین اثر وحید یامین‌پور است که توسط نشر معارف در نمایشگاه کتاب تهران عرضه می‌شود.

این کتاب درس گفتارهای وحید یامین پور در باب شناخت مفاهیم بنیادین سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی است که به همت دفتر نشرمعارف عرضه می‌شود.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «زمان آگاهی»، «خودآگاهی تاریخی» و «وقت شناسی» امتیاز اهل حکمت و فضیلت از دیگرانی است که گرفتار عادات روزمره شده‌اند. اهل حکمت و فضیلت، به «وقت» که همانا باطن زمان است، وقوف پیدا می‌کنند و مختصات تاریخی و تمدنی خود و ماهیت حقیقی رخدادهای پیرامون خود را بهتر از هر کسی باز می‌شناسند؛ آن گاه حکمت از زبان و قلم و آن‌ها می‌تراود و «معلم» دیگران می‌شوند. سید مرتضی آوینی، حکیم هنرمندی بود که بی‌شک مقام او، مقام «معلم» است. معلم اندیشه‌ها و سلوک فکری و فرهنگی کسانی که در ساحت انقلاب اسلامی راه می‌پیمایند. حجابی که مشهورات بر فکر و ذکر می‌اندازد و فشاری که عوام زدگی بر گُرده اندیشه وارد می‌آورد، مانع نورانی شدن فکر و مایه جهالت و سطحی‌نگری است؛ اما آوینی تحت ظلمت‌زدگی دوران معاصر قرار نگرفت و مشهورات زمانه او را فریب نداد. درست در دورانی که هیجان توسعه و شهوت تکنوکراسی، چشم‌ها را مسحور و عقل‌ها را ربوده بود، او با شجاعت، درباره چرخه گیج کننده توسعه و مصرف هشدار داد و همگان را از فروافتادن در ورطه غرب‌زدگی برحذر داشت.

خصوصیت آوینی این بود که از «راهی طی شده» بازگشته بود و به حکم کریمه «و من یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی» به تحول باطنی انسان پس از کفر به طاغوت دعوت می‌کرد. بسیاری فقط از طریق «روایت فتح» که تجلی باطن آوینی است با او آشنا هستند؛ اما حقیقت این است که آوینی به عنوان یک متفکر، متعهد به تمامی شئون تمدنی و اجزای انقلاب اسلامی است و درباره بسیاری از بنیادهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، هنری و رسانه‌ای روزگار ما سخن گفته است؛ گاهی نقد کرده، گاهی هشدار و تحذیر داده و گاهی طرحش برای آینده را بازگو کرده است.

این اثر در ۲۶۰ صفحه و با قیمت ۲۵ هزار تومان در غرفه نشر معارف در نمایشگاه امسال عرضه می‌شود.

گفت‌وگو با سلمان کدیور درباره نخستین تجربه رمان‌نویسی‌اش با «پس از بیست سال»

قصه صفّین در تقاطع تاریخ و تخیل

ادب و هنر/جواد شیخ الاسلامی «پس از بیست سال» عنوان نخستین رمان سلمان کدیور نویسنده جوان و دغدغه‌مند کشورمان است. کدیور در نخستین تجربه خود به سراغ یک موضوع تاریخی و سخت رفته است؛ برهه‌ای از زندگانی امیرالمؤمنین(ع) در صدر اسلام. «پس از بیست سال» آن‌قدر پخته و خوب نوشته شده است که انگار این رمان چندمین تجربه نویسنده است. با سلمان کدیور درباره نخستین ورودش به عالم داستان، ایده «پس از بیست سال» و چالش‌های رمان تاریخی به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

◆ آقای کدیور! شنیده‌ام نخستین ارتباط شما با شهرستان ادب به واسطه شعر بوده است و نه داستان؛ درست است؟

بله. من پیش از اینکه داستان برایم جدی باشد، شعر می‌نوشتم. وقتی با مؤسسه شهرستان ادب ارتباط پیدا کردم دوستان لطف کردند و به اردوی شعر آفتابگردان‌ها دعوتم کردند. بار اول آنجا بود که آقای مؤدب را دیدم و در یک گفت‌وگوی سرپایی تصمیم گرفتم شعر را رها کنم و سمت داستان بروم.

◆ چه اتفاقی در آن دیدار کوتاه افتاد؟

آقای مؤدب پرسید چکار می‌کنی؟ گفتم هم داستان می‌نویسم و هم شعر می‌گویم. ایشان گفت در همین اردویی که اکنون هستیم ۱۵۰ شاعر حضور دارند که از بین این‌ها در پنج سال یا یک دهه آینده شاعران خیلی خوبی رشد می‌کنند؛ کما اینکه خیلی از آن‌ها همین زمان هم شاعر خوبی هستند. ولی نویسنده‌ای که در حیطه داستان انقلاب فعالیت کند به اندازه انگشتان یک دست هم نداریم. یک دستشان را بالا بردند و گفتند اگر بگویی به اندازه انگشتان یک دست بشمار من نمی‌توانم. اینجا خلأ داریم و پیشنهاد من به شما این است که تمرکزت را از شعر بر داستان بگذاری. من هم همانجا شعر را بوسیدم و کنار گذاشتم. پس از اینکه از اردو برگشتم، مجموعه داستان کوتاهی که قبلاً آن را نوشته بودم به مؤسسه دادم که رد شد. اکنون که خودم هم می‌خوانم می‌دانم مزخرف بود! ناامید نشدم و ادامه دادم. همان مجموعه داستان را بازنویسی کردم و دوباره به شهرستان ادب و ناشر دیگری دادم که باز هم رد شد؛ طوری شد که من از داستان ناامید شدم. در سه چهار سال به هر در و دیواری که زدم تا به عنوان یک داستان نویس دیده شوم، نشد. خیلی ناامید بودم تا اینکه جریان داستان‌نویسی «رسولان آفتاب» درباره فتنه برگزار شد. آنجا هم داستانی به نام «جاروفروش» نوشتم که حائز هیچ رتبه و جایگاهی نشد. بشدت توی ذوقم خورد. یک روز که در کل از داستان ناامید و ناراحت بودم، به صورت اتفاقی معرفی کتابی به نام «چت مقدس» را دیدم که داستان‌های همان جشنواره رسولان آفتاب بود. نویسنده که یک مخاطب عادی بود، نوشته بود این کتاب داستان‌های خوبی دارد، ولی بدون داستان «جاروفروش» باید آن را توی سطل آشغال انداخت. این مطلب امیدوارم کرد و باز جرقه‌ای شد. «چت مقدس» را پیدا کردم و داستان را در کتاب دیدم. سال بعدش داستان «رجعت عبیدالله» را برای جشنواره‌ای درباره داعش و تکفیری‌ها نوشتم و در کمال ناباوری رتبه نخست آن جشنواره شدم. موضوع داستان هم این بود که عبیدالله زیاد پس از ۱۴۰۰ سال در زمانه ما استاندار می‌شود و داستان، راوی واکنش مردم و رهبران مذهبی آن شهر به عبیدالله بود. یک رتبه دیگر هم در جشنواره‌ای درباره حضرت زینب(س) آوردم. این‌ها سبب شد داستان برایم جدی‌تر شود و روی دور بیفتم. این ورود حرفه‌ای من به عالم داستان‌نویسی بود. اما چیزی که خیلی به من کمک کرد این بود که کارشناسی ارشد تهران قبول شدم. بیشتر از اینکه از قبولی دانشگاه خوشحال باشم از این خوشحال بودم که می‌توانم در جلسات شهرستان ادب شرکت کنم. سال ۹۱ بود که از نزدیک استادان شهرستان ادب را دیدم.

◆ ایده «پس از بیست سال» چگونه شکل گرفت؟

چند علت در شکل‌گیری ایده «پس از بیست سال» وجود داشت. یکی اینکه من به عنوان یک کنشگر اجتماعی و سیاسی خودم را با پدیده‌ای به نام انقلاب اسلامی مواجه می‌دیدم. برای من «انقلاب اسلامی» با قرائت امام، همیشه جالب توجه بود. اینکه اسلامِ انقلاب اسلامی چیست و چه نوع قرائتی از اسلام است. به همین واسطه بحث امام با عنوان «جدال دو اسلام» همیشه در ذهن من بود. از یک طرف دیگر به جمهوری اسلامی به چشم یک تجربه حکومت دینی پس از پیامبر(ص) نگاه می‌کردم که خروجی آن، چه بخواهیم و چه نخواهیم، به پای اسلام نوشته می‌شود؛ که این عین صحبت‌های امام است. انحطاط انقلاب پیامبر(ص)، باتوجه به مطالعات تاریخی‌ام، برای من حالت نمادین داشت. من معتقدم ایجاد و از بین رفتن انقلاب اسلامی ما و سایر انقلاب‌های اسلامی طبق یک مدل مشخص است و اگر آسیب‌شناسی کنی که انقلاب پیامبر(ص) چطور زمین خورد، می‌توانی بر اساس همین، درباره انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی قضاوت کنی. یک طرح داستانی برهمین اساس نوشتم که موضوع درباره حضرت زهرا(س) بود و تا وفات پیامبر(ص) پیش می‌رفت. چون آن موقع مباحث وحدتی مطرح بود یکی از دوستان گفت چون این موضوع محل اختلاف است، بهتر است ننویسی. دست کشیدم اما در ذهنم دنبال سوژه بودم تا اینکه خیلی اتفاقی ایده جنگ صفین به دستم رسید و اینکه روی زندگی حضرت امیر(ع) کار کنم.

چون تجربه شکست‌خورده قبلی را داشتم روی این طرح کار کردم؛ شخصیت‌پردازی، تخیل و فضاسازی کار را بالا بردم و تا توانستم خودم را از تاریخ رسمی و کتابی دور کردم. خودم را جای آدمی گذاشتم که در آن زمانه است و قرار نیست که کتاب تاریخ بنویسد؛ بلکه مواجهه او با زندگی را روایت کند. یعنی نخست رمان بنویسم و بعد تاریخ را روایت کنم. برای همین خودم را از تاریخ بیرون کشیدم و به عنوان یک قصه به کار نگاه کردم.

برش

رمان برای فلاسفه و حکما نوشته نمی‌شود. من می‌خواستم این تجربه وجود داشته باشد و امیرالمؤمنین(ع) به عنوان یک انسان و به عنوان یک رهبر، ولی با مشخصات فرا انسانی خودش در داستان حضور داشته باشد. اصرار داشتم که امام حرف بزند

◆ با توجه به اینکه در این رمان تخیل و تاریخ بسیار درهم‌تنیده است، توضیح می‌دهید که روال کار چگونه انجام شد؟

نعمتی که با من همراه بود آقای شهسواری بود. ایشان در واقع یکی از الطاف خدا به من بود، چون وقتی جایی گیر می‌کردم راهکار نمی‌داد، بلکه زمینه‌ای ارائه می‌داد تا راهکار را کشف کنم. شاید مهم‌ترین کار آقای شهسواری برای من همین بود. گاهی می‌شد به خاطر انباشته‌های تاریخی زیادی که در ذهنم بود، سه ماه هیچ چیزی نمی‌نوشتم و نمی‌توانستم داستان را ادامه بدهم. چون از سال ۹۳ که کار را شروع کردم مطالعات تاریخی‌ام خیلی زیادتر شد. این اطلاعات تاریخی زیاد سبب می‌شد من نتوانم رمان را بنویسم، چون وقتی همه‌جور کتاب تاریخی می‌خوانی، می‌خواهی همه را در رمان استفاده کنی؛ اما آقای شهسواری نجاتم داد. گفت «فکر کن اصلاً این‌ها را نخوانده‌ای و بیندازشان دور. اگر بخواهی به این‌ها توجه کنی در دام تاریخ می‌افتی. از این‌ها به عنوان نمک کار استفاده کن. تو داری رمان می‌نویسی».

با مقدمه‌ای که عرض کردم باید بگویم هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند به این جواب بدهد که «چقدر از کار تخیل است؟» در رمان ولو اینکه یک اتفاقی مستند باشد، باز هم نیاز به تخیل است.

رمان تاریخی حاصل تزاحم دو امر کاملاً متضاد است؛ تخیل و بستر تاریخی. در رمان تاریخی بستر روایت باید بستر تاریخ باشد و وقایع مستند باشد. البته خود من شاید حتی بستر را هم تاریخی انتخاب نکردم.

◆ تمام آن تخیل‌ها و تاریخ و... به واقعیت حضرت علی(ع) می‌رسد و این خیلی لذتبخش بود.

ما نمی‌توانیم درباره ائمه(ع) تخیل کنیم. این یک سد بسیار بزرگی است. هرچند من این قانون را شکسته‌ام و بعضی فرازها در این کار کلاً تخیل است. متن درباره امام معصوم است ولی یک جاهایی پیرامون حضرت خیال‌پردازی کرده‌ام. مثلاً حضرت حرفی را می‌زنند و حدس من از شرایط و شناختی که از علی (ع) دارم این است که او اینجا چنین حرفی زده است. این کار در رمان تاریخی مانع بزرگی بود اما من فکر می‌کنم نیاز داریم روی بعضی خطوط قرمز بیشتر تأمل کنیم.

◆ در رمان دینی و مذهبی برداشتن این قدم چقدر لازم و مهم است؟

به نظر من بسیار مهم. من کتاب‌های تاریخی زیادی خوانده‌ام که ائمه(ع) در آن‌ها به عنوان شخصیت‌های غایبی بودند که دیگران درباره آن‌ها حرف می‌زنند؛ مثل نامیرا که هیچ دیالوگی از اباعبدالله(ع) در آن نیست. همه از او صحبت می‌کنند ولی خودش غایب است. اما من در این رمان سعی کردم معصوم را به عنوان شخصیتی که حرف می‌زند، نظر می‌دهد و درباره‌اش قضاوت می‌شود، تصویر کنم؛ معصوم به عنوان یک انسان. چرا؟ چون رمان تجربه زیست انسانی است. حالا من به رابطه رمان با قدسیت و این‌ها اشاره نمی‌کنم، چون ما رمان را برای مردم عادی می‌نویسیم. رمان برای نخبه‌ها نیست. نویسنده می‌خواهد در اعتراض به جهانی که وجود دارد، جهانی را خلق کند و برای همین رمان را برای عوام می‌نویسد. رمان برای فلاسفه و حکما نوشته نمی‌شود. من می‌خواستم این تجربه وجود داشته باشد و امیرالمؤمنین(ع) به عنوان یک انسان و به عنوان یک رهبر، ولی با مشخصات فرا انسانی خودش در داستان حضور داشته باشد. اصرار داشتم که امام حرف بزند، دیالوگ داشته باشد و درباره‌اش قضاوت بشود و قضاوت کند. حتی در بعضی بخش‌ها من وارد ذهن حضرت می‌شوم و آنچه را در ذهن ایشان می‌گذرد، تخیل و روایت می‌کنم. اما این کار حساسیت‌های خودش را هم داشت و دارد. هم زهر و هم پادزهر است. زهر است از این لحاظ که نباید عرصه تخیل بر هر کسی باز شود و پادزهر از این لحاظ که می‌توان معصوم را به عنوان شخصیتی فعال در رمان تصویر کرد. از آن آیه که می‌فرماید پیامبر هم یکی مثل شماست؛ در بازار راه می‌رود و با مردم معاشرت می‌کند، وام گرفتم. شما در این کتاب زمینه را بخوبی چیده‌اید و پس از آن امام را وارد رمان می‌کنید. عطش خیلی خوبی ایجاد شده است، برای همین اگر امام را وارد داستان نمی‌کردید توی ذوق مخاطب می‌خورد. تلاش کردم داستانی بنویسم که تعلیق داشته باشد. وقتی قرار است امیرالمؤمنین(ع) در عالم داستان ظهور کند نیاز به یک زمینه‌چینی دارد. باید برای مخاطب این پیش‌زمینه فراهم می‌شد تا بتواند حضرت علی(ع) را بشناسد و درباره‌اش قضاوت کند. تلاشم بر این بود که مخاطب بتواند درباره امیرالمؤمنینی که شنیده، با دیدن این جهان داستانی قضاوت کند و آشنایی نزدیکی با علی(ع) داشته باشد.

◆ درباره صدر اسلام رمان خوب خیلی کم داریم. این حوزه محتوایی چقدر ظرفیت خلق اثر دارد؟

تاریخ اسلام یک منبع و معدن سرشار از قصه است. بسیار غنی از داستان است که هم امکانات خودش را دارد و هم چالش‌های خودش را. چالش هم همین است که نویسنده‌ها در موضوعات تاریخی جای تخیل زیادی ندارند و ورود به این فضا برایشان سخت است. به نظر من باید استادان پیرامون رمان دینی و تاریخی کار کنند تا نویسنده‌ها بتوانند روی رمان تاریخی به عنوان یک رمان تمرکز کنند؛ یعنی با تعریف رمان و انسان امروزی که تحت اتمسفر مدرنیته است اما با محوریت تاریخ اسلام.

نزدیک شدن به انسانی که در اتمسفر مدرن زندگی می‌کند، خیلی سخت است، به همین خاطر باید موانعی که پیش روی نویسنده است رفع شود. من مدافع بی‌بند و بار نوشتن نیستم ولی باید یک سری موانع برداشته شود تا بتوان درباره تاریخ پرقصه اسلام رمان‌های بهتری نوشت.

◆ قطعاً تجربه کتاب شما هم به این قضیه کمک می‌کند.

ان‌شاءالله که این‌طور باشد. نوشتن برای ائمه(ع) واقعاً یک تجربه معنوی هم هست. من گاهی جایی از قصه را گیر می‌کردم. وقتی توسل می‌کردم به یکباره مشکل حل می‌شد. مثلاً صحنه‌های جنگ رومی‌ها کاملاً لطف ائمه(ع) بود و خیلی از صحنه‌ها لطف امیرالمؤمنین(ع) بود. بعضی از مخاطبان به من می‌گویند رمان شما به نحوی است که آدم معاویه را تحسین می‌کند. گفتم خب باید این‌طور باشد. کسی که در مقابل علی(ع) قرار می‌گیرد نباید آدم کوچکی باشد. اگر من معاویه را آدم خرد و کوچکی تصویر کنم شخصیت امیرالمؤمنین (ع) زیر سؤال می‌رود. بی شک معاویه در حد و اندازه امیرالمؤمنین(ع) نیست اما به هرحال او کسی است که حکومت و سیاست‌ورزی امام(ع) را به چالش می‌کشد.

◆ کارهای بعدی در فضای تاریخ است یا به زمان معاصر هم می‌پردازد؟

وارد کارهای جدید هم خواهم شد ولی فعلاً عهدی دارم و می‌خواهم رمانی درباره امام هادی (ع) بنویسم. این نخستین کار من است. اما در پایان گفت‌وگو می‌خواهم از آقای علی‌محمد مؤدب و جناب عزتی‌پاک، آقای شهسواری و بچه‌های مؤسسه شهرستان ادب تشکر کنم که این فضا را برای ما فراهم کردند.

گزارش

اهدای درآمد اجرای تئاتر «باغ خونی» در ماه مبارک رمضان به هموطنان سیل‌زده

«باغ خونی»ها هلال احمری شدند

عکس: علی کریمی رستگار/قدس

ادب و هنر/زمانیان نشست خبری نمایش «باغ خونی» صبح دیروز در مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس برگزار شد.

نمایش «باغ خونی» به نویسندگی محمد نقایی و کارگردانی امیر بشیری برای دومین بار به نفع هموطنان سیل‌زده در مشهد مقدس به روی صحنه خواهد رفت.

«باغ خونی» در دی سال گذشته به مدت ۱۰ شب در مشهد اجرا شد که با استقبال خوب مخاطبان مشهدی روبه‌رو شد.

داستان «باغ خونی» به برهه‌ای از تاریخ شهر مشهد و به یکی از وقایع مهم این شهر یعنی واقعه گوهرشاد می‌پردازد.

در اجرای پیشین این نمایش بازیگرانی نظیر پرویز فلاحی‌پور، کامران تفتی، سعید صادقی، محمد الهی، امیر محاسبتی، جلال کریم‌زاده، جواد محمدزاده، زهره مرادی، محبوبه سلطانی، مجید بخششیان، مهشید شریفی، احسان امیرپور، مهران مطیع و سجاد انتظاری ایفای نقش کردند. همکاری بازیگران سرشناس تهرانی در کنار بازیگران توانمند مشهدی ترکیبی ایجاد کرد که سبب شد مخاطبان شاهد یکی از بهترین اجراهای تئاتر در شهرشان باشند. حالا در دومین ماه سال و در شرایطی که سیل، بعضی از استان‌ها را درگیر خود کرده هنرمندان تئاتر به انگیزه همدردی با هموطنان سیل‌زده قرار است تئاتر «باغ خونی» را دوباره روی صحنه ببرند و عواید آن را به هموطنان مناطق سیل‌زده اهدا کنند.

به گفته کارگردان این تئاتر، نمایش باغ خونی از اول ماه مبارک رمضان و به مدت ۲۵ شب برای مخاطبان به اجرا در خواهد آمد.

امیر بشیری گفت: با همکاری مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس، انجمن نمایش کشور و سازمان هلال احمر این نمایش اجرا می‌شود که البته این بار با هنرمندی هنرمندان بومی مشهد به روی صحنه خواهد رفت.

این کارگردان با بیان اینکه در نخستین دوره اجرا ۵۷۰۰ نفر به دیدن تئاتر نشستند، گفت: در نظرسنجی‌های انجام شده حدود نیمی از مخاطبان برای نخستین بار به سالن تئاتر آمده بودند و یکی از بهترین اتفاقات «باغ خونی» همین است که توانسته تعداد زیادی از مردم مشهد را با هنر تئاتر آشنا کند.

پس از این اتفاق فرخنده من و آقای چمی‌گو به دنبال اجرای دوباره این نمایش بودیم که قرار براین شد همزمان با ماه مبارک رمضان این نمایش در جدیدترین سالن تئاتر مشهد که بتازگی ساخته شده، به روی صحنه برود.

بشیری افزود: سالن نمایش موزه زنده زیارت که به سبک «بلک باکس» ساخته شده و بتازگی به مجموعه تئاتر شهر مشهد اضافه شده است، همزمان با نخستین اجرای تئاتر «باغ خونی» افتتاح خواهد شد.

در ادامه این نشست مدیرعامل مؤسسه آفرینش‌های هنری گفت: از آنجا که داستان «باغ خونی» با فرهنگ خانواده‌های ایرانی عجین شده، دوستداران تئاتر با خیالی آسوده همراه خانواده‌هایشان به تماشای این تئاتر نشستند و دلیل استقبال مخاطب مشهدی از این نمایش صرف نظر از حضور بازیگران چهره، محتوای ارزشمند این نمایش هم بود.

محمدعلی چمی‌گو افزود: استفاده از نمایش‌های خارجی و تأکید کارگردان‌ها بر استفاده از این متون، یکی از ضعف‌های امروز هنر تئاتر است. این در حالی است که نمایشنامه نویسان خوبی در ایران و شهرستان‌ها فعالیت می‌کنند که اگر به آن‌ها انگیزه داده شود می‌توانند متون نمایشی خوبی برای تئاتر ایران تولید کنند.

مدیرعامل مؤسسه آفرینش‌های هنری تأکید کرد: ساخته شدن، اجرا و موفقیت «باغ خونی» نشان داد می‌توان از ظرفیت‌های هنر بویژه تئاتر برای ترویج فرهنگ رضوی و آداب زیارت استفاده کرد. اتفاقی که هنوز میسر نشده و اگر نهادها و هنرمندان به این ابزار و بسترها توجه کنند می‌توانند با زبان هنر، فرهنگ اسلامی را ترویج کنند.

در ادامه این نشست هنرمندان درباره نمایش «باغ خونی» صحبت کردند. سعید صادقی یکی از بازیگران این نمایش گفت: به نمایش «باغ خونی» نمی‌توان انگ سفارشی زد چون این تئاتر نمایشنامه بسیار قدرتمندی دارد که با کارگردانی امیر بشیری توانسته به مسئله‌ای بپردازد که در قالب زبان هنر کمتر به آن توجه شده است.

محمد نقایی به عنوان نمایشنامه نویس، خیلی هوشمندانه و با انعطاف واقعه گوهرشاد را در قالب یک درام خانوادگی مطرح کرده است.

او ضمن اشاره به حضور بازیگران تهرانی در دور نخست اجرای این نمایش گفت: مشهد و خراسان خطه بازیگرخیزی است؛ تفاوت ما با بازیگران تهرانی در این است که آن‌ها مشهورند و ما نیستیم، حتی می‌توان به جرئت گفت در هنرمندی و تکنیک، بسیاری از بازیگران مشهدی از بازیگران تهرانی موفق‌تر و توانمندتر هستند.

در ادامه این نشست مدیر روابط عمومی هلال احمر خراسان گفت: هشتمین سین هفت سین نوروز ۹۸ سیل مهربانی ایرانی‌ها به سمت هموطنان سیل‌زده بود. مجتبی محمودی با ارائه آماری افزود: مردم مهربان خراسان یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان کمک نقدی به شماره‌های هلال‌احمر این استان برای هموطنان سیل‌زده واریز کرده‌اند. او گفت نزدیک به ۴ میلیارد تومان هم فقط در سطح استان کمک‌های غیرنقدی برای این مناطق جمع شده است.

محمودی اظهار امیدواری کرد، با توجه به روحیه همدلی که در کشور و در استان وجود دارد اتفاقی نظیر اجرای تئاتر «باغ خونی» و اهدای عواید آن به نفع هموطنان سیل‌زده می‌تواند اتفاق‌های خوبی را رقم بزند.

او گفت: هنرمندان این نمایش به عضویت افتخاری سازمان هلال‌احمر درآمده‌اند و قرار است پس از پایان اجراها مبالغ جمع‌آوری شده توسط خود هنرمندان به مناطق سیل‌زده اهدا شود.

گفتنی است قرار است نمایش باغ خونی در صورت استقبال مخاطبان در مشهد، در مناطق سیل‌زده و برای هموطنان آسیب‌دیده نیز به اجرا درآید.

گفت‌وگو با امیر داسارگر، کارگردان فیلم «منطقه پرواز ممنوع» که نخستین اثر سینمایی کودک و نوجوان در حوزه مدافعان حرم است

پدر، عشق، پسر

سیما و سینما/ زهره کهندل | فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع» در ژانر ماجراجویانه و نوجوانانه ساخته شده و داستان سه نوجوان ۱۳-۱۲ ساله را روایت می‌کند که در گوشه‌ای از کشور در حال انجام کاری هستند، در این مسیر مشکلاتی برایشان ایجاد می‌شود و همین موجب درگیری میان آن‌ها و بعضی از افراد می‌شود و قدم به قدم متوجه مسائلی می‌شوند. فیلم پر از هیجان و تعقیب و گریز است، لوکیشن‌های متعدد و لحظه‌های جذابی دارد که مخاطب نوجوان را درگیر می‌کند. این فیلم به کارگردانی امیر داسارگر و تهیه‌کنندگی حامد بامروت، محصول دفتر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است. این فیلم که یکی از غایبان جشنواره ملی فجر بود، این روزها در بخش بازار جشنواره جهانی فجر حضور دارد. کارگردان «منطقه پرواز ممنوع» درباره دلیل رونمایی فیلم در بخش «بازار» جشنواره جهانی و عدم ارائه آن به بخش ملی و یا جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان گفته بود: «برای بخش ملی جشنواره فجر تا نسخه فاین کات بدون صداگذاری را رساندیم و هیئت انتخاب هم فیلم را دیدند اما اعلام کردند که در فهرست نهایی بخش نگاه نو رتبه هفدهم را کسب کرد و موفق به ورود به جشنواره نشد. امیدواریم در جشنواره فیلم‌های کودکان هم اتفاق خوبی برای فیلم بیفتد تا به واسطه آن بتوانیم اکران خوبی برای فیلم داشته باشیم». به بهانه پخش این فیلم در بازار فیلم جشنواره جهانی فجر با کارگردان آن گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید:

◆ فیلم شما سال گذشته در جشنواره فیلم فجر شرکت داده نشد اما در بازار فیلم جشنواره جهانی فجر به نمایش درآمد، بازخوردهای اکران را چطور دیدید؟

فیلم برای دیده شدن ساخته می‌شود و هر رویداد فرهنگی که تحت لوای جمهوری اسلامی برگزار شود، علاقه‌مند به حضور در آن هستم. به خاطر همین دو اکران خوب و استاندارد که در جشنواره جهانی فیلم فجر داشتیم، خیلی خوشحالم.

◆ چون این فیلم برای گروه سنی نوجوانان ساخته شده است، در این دو اکران مخاطب نوجوان هم داشتید؟

مخاطبان نوجوان فیلم بسیار محدود بودند چون در اکران‌های جشنواره هم محدودیت‌هایی وجود دارد. خوشبختانه بازخورد خوبی را شاهد بودیم بویژه اینکه تماشاچیان، افراد متخصص و اهالی سینما بودند. چند نفر از کسانی که فیلم را دیدند به من گفتند این فیلم حتماً در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان دیده می‌شود. به نظرم این جشنواره‌ها، راه مهمی برای معرفی فیلم‌ها و نوید گرفتن در اکران آن‌هاست. امیدوارم دیده شدن این فیلم در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان برای اکران آن به ما کمک کند. معمولاً فیلم‌هایی که در این جشنواره جایزه گرفتند در اکران هم موفق بودند.

◆ چرا سراغ سینمای نوجوان رفتید؟

در چند سالی که فیلم می‌سازم حدود ۱۰ عنوان فیلم کوتاه و نیمه بلند دارم و فقط یکی دوتایشان با کودک و نوجوان ارتباط دارد اما دلیلش خیلی پیچیده نیست. سه سال پیش مطالعاتی را در عرصه مدافعان حرم انجام می‌دادیم که از دل آن پژوهش‌ها، با ماجراها و خانواده‌هایی آشنا شدیم که در یکی از آن خانواده‌ها، رابطه پدر و پسری شدیدی وجود داشت و از قضا، پدر خانواده شهید می‌شود، پس از این اتفاق نتوانستم روی این موضوع کار نکنم و به سمت آن کشیده شدم. پس از دو سال توانستیم فیلم را تمام کنیم. این طور نبوده که بگویم سینمای کودک و نوجوان برایم مسئله بوده است که در این گونه فیلم بسازم، من در این فضا قرار گرفتم و اتفاقات خوبی رخ داد. البته به ماجرای مدافعان حرم در این فیلم بسیار کم پرداخته شده و قرار نیست که فیلمی در حوزه سینمای جنگ را نشان دهیم بلکه قصه پسر نوجوانی روایت می‌شود که پدرش نیست.

◆ چرا فکر کردید که این سوژه برای سینمای داستانی، می‌تواند سوژه جذابی باشد؟

اتفاقی که با آن روبه‌رو شدم فقط نقطه شروع کار من بود، این طور نبود که قصه‌ای از دل یک ماجرای مستند بیرون بیاید بلکه آن اتفاق، اتمسفر و موقعیت فیلم است. من قصه‌ای برای یک فیلم داستانی نوشتم. در واقع قصه فیلم از ماجراهای روز جامعه بیرون می‌آید.

برش

تردیدی نیست که برای نوجوانان و آینده‌سازان کشور باید محصول فرهنگی تولید شود تا رشد پیدا کنند و راهش این است که فضایی در عرصه مدیریت فرهنگی به وجود بیاید که آدم‌ها دوست داشته باشند در آن حوزه کار کنند، اکنون سینمای ما چنین فضایی را ندارد

◆ قهرمان‌های این قصه نوجوان‌های ۱۳ ساله هستند، چرا فیلم‌سازی و پرداختن به دغدغه بچه‌های دهه هشتادی مهم است؟

در پاسخ به این پرسش نمی‌خواهم تئوری صادر کنم یا در مقام یک کارشناس صحبت کنم اما مسائل فرهنگی در حوزه سینما نیاز به بازنگری جدی دارد. تردیدی نیست که برای نوجوانان و آینده‌سازان کشور باید محصول فرهنگی تولید شود تا رشد پیدا کنند و راهش این است که فضایی در عرصه مدیریت فرهنگی به وجود بیاید که آدم‌ها دوست داشته باشند در آن حوزه کار کنند، اکنون سینمای ما چنین فضایی را ندارد. من اسم خودم را فیلمساز کودک و نوجوان نمی‌گذارم و مشخص نیست که فیلم‌های بعدی‌ام در این حوزه باشد اما می‌بینم که به عده‌ای از فیلمسازان این حوزه توجه نمی‌شود و فیلم‌هایشان بسیار مهجور است. همین می‌شود که سال به سال فیلم‌های کودک و نوجوان کمتر می‌شود. ضمن اینکه برخی فیلم‌هایی که برای کودک و نوجوان ساخته می‌شود بین مسائل نوجوانان و بزرگسالان سرگردان هستند و نیمی از فیلم به مسائل بزرگسالان می‌پردازد. بهبود این شرایط نیاز به مدیریت فرهنگی قوی و واحد دارد. پرسش اصلی اینجاست که فیلم‌های کودک و نوجوان چقدر فیلم‌های به‌روز و مماس با مسائل امروز نوجوانان هستند؟ این فیلم‌ها چقدر می‌توانند بچه‌ها را از مسائل روزمره‌ای که بزرگ‌ترها گرفتار آن هستند، عبور بدهند و به بزرگ فکر کردنشان کمک کنند؟ این اتفاق در مدل فرهنگی باید رخ بدهد و نیاز به فضاسازی مناسب دارد. در همین رهگذر میزان توجهات به جشنواره فیلم فجر را با جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان مقایسه کنید، می‌بینید که چقدر روی جشنواره فجر، هزینه می‌شود و تبلیغات برایش وجود دارد.

◆ کار کردن با یک بازیگر حرفه‌ای مثل هادی حجازی‌فر چطور بود؟

حضور هادی حجازی‌فر در این کار لطف و خواست خدا بود. کار کردن با بازیگران چهره و شناخته شده سینما شرایط خاص خودش را دارد، البته همکاری ما طولانی مدت نبود. حضور هادی حجازی‌فر فیلم ما را دلچسب‌تر کرده است و امیدوارم به اکران ما کمک کند.

◆ چه شد که هادی حجازی‌فر پیشنهاد بازی در کار شما را به عنوان یک کارگردان فیلم اولی قبول کرد؟

چرا قبول نکند! متأسفانه این اتمسفر در فضای سینمایی وجود دارد که برخی بازیگران بازی در کارگردان فیلم اولی را قبول نمی‌کنند در حالی که باید از عکس ماجرا تعجب کرد. گاهی به بازیگری زنگ می‌زنید و می‌گوید که من فیلم جنگی یا فیلم کودک و نوجوان بازی نمی‌کنم. این پاسخ‌ها تحت تأثیر فضاهای غلط است. عده‌ای پیش از اینکه فیلمنامه را بخوانند، تصمیم می‌گیرند ولی وقتی یک فیلمنامه و گروه خوب داریم، چرا یک بازیگر پیشنهاد بازی را قبول نکند؟ البته هادی حجازی‌فر بازیگری است که کارهای زیادی به او پیشنهاد می‌شود و با وجود مشغله‌های فراوانی که داشت، همین که قبول کرد در فیلم ما بازی کند برای ما بسیار مهم و ارزشمند بود.

◆ برخی از بازیگران هم نسبت به مضامینی همچون دفاع مقدس یا مدافعان حرم، گارد دارند و حاضر به حضور در چنین فیلم‌هایی نیستند؟

متأسفانه یکسری قوانین نانوشته در سینمای ایران به وجود آمده است که عده‌ای از بازیگران چنین واکنشی را دارند. گاهی می‌بینیم بازیگری به خاطر بازی خوبش در یک ژانر خاص دیده می‌شود و آن قدر روی او فشار می‌آورند که تو کلیشه شدی و به تکرار افتادی که مجبور به تغییر ژانر می‌شود و ممکن است در آن حوزه جدید، موفق هم نباشد در حالی که این اتفاق در سینمای جهان، حسن است که یک بازیگر در یک ژانر خاص، خوب بازی می‌کند. این گزاره‌های غلط و قوانین نامعقول در سینمای ایران به وجود آمده که ممکن است آینده کاری یک بازیگر را تهدید کند. این گزاره‌های غلط، انجام کار متفاوت و جدید را در سینما سخت می‌کند، گویی که برای موفقیت باید وارد الگوهای مشخص و از پیش تعیین شده بشوید.

◆ برای ساخت این فیلم با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

ساخت یک فیلم بلند نوجوانانه آن هم در کوه‌هایی با فاصله ۸۰۰ کیلومتری از تهران، کار سختی است ولی نتیجه کار، همه سختی‌ها را برایمان لذتبخش کرد. این فیلم زاده مدرسه سینمایی عمار است و امیدواریم که در آینده شاهد خروجی‌های بیشتر و بهتری از این مجموعه آموزشی پژوهشی باشیم.

خبر

«مرد ایرلندی» علیه «کابوی آمریکایی»

سیما و سینما: دنیرو در پاسخ به این پرسش که چرا مخاطبان، فیلم‌های گانگستری را دوست دارند گفته است: مردم این فیلم‌ها را دوست دارند چون بی‌قانونی جذاب است. اکنون هم ما یک گانگستر بامزه را در کاخ سفید داریم. رابرت دنیرو که مدت‌هاست ترامپ را به باد انتقاد می‌گیرد، سال گذشته در مراسم اهدای جوایز تونی، ترامپ را با الفاظ بدی خطاب قرار داده بود. ترامپ هم به انتقادات دنیرو پاسخ داده و وی را فردی با ضریب هوشی بسیار پایین توصیف کرده است. دنیرو یکی از توانمندترین بازیگران نسل خود است و دو بار به خاطر بازی در فیلم‌های «پدرخوانده» و «گاو خشمگین» برنده جایزه اسکار شده است و بار دیگر قرار است به ژانر فیلم‌های گانگستری بازگردد. او در فیلم گانگستری «مرد ایرلندی» به کارگردانی مارتین اسکورسیزی بازی کرده است. دنیرو در پاسخ به این پرسش که چرا مخاطبان، فیلم‌های گانگستری را دوست دارند گفته است: مردم این فیلم‌ها را دوست دارند چون بی‌قانونی جذاب است. اکنون هم ما یک گانگستر بامزه را در کاخ سفید داریم. حتی گانگسترها هم به قوانین اخلاقی پایبندند اما ترامپ گانگستر کاملاً نسبت به اخلاقیات بیگانه است.

«رادیو کتاب» به صدا درآمد

سیما و سینما: مراسم افتتاح رادیو کتاب با شعار «صدای کتاب، صدای دانایی» در رادیو برگزار شد.

رادیو کتاب از یکشنبه، اول اردیبهشت به مناسبت برپایی سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با مجموعه‌ای از برنامه‌های متنوع حول محور کتاب همچون «گلستانه» و «صدای کتاب» فعالیت خود را آغاز کرد. همچنین مراسم افتتاحیه این رادیو با حضور حجت‌الاسلام سیدرمضان موسوی مقدم، قائم مقام رئیس صدا و سیما، حمید شاه‌آبادی، معاون صدا و جمعی از مدیران شبکه‌های رادیویی در استودیو ۲۹ ساختمان رادیو برگزار شد. هر ساله اردیبهشت ایران با جشن و گردهمایی کتاب و کتابخوانان رنگ دانایی و آگاهی می‌گیرد. امسال نیز همزمان با سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، رادیو همسو و همراه با دوستداران کتاب به انعکاس تلاش یک ساله تولیدکنندگان کتاب می‌پردازد و با برپایی استودیو پخش زنده در محل برگزاری نمایشگاه کتاب در محوطه مصلای تهران، مهم‌ترین رخداد فرهنگی کشور را گزارش می‌کند.

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای غلامعلی سربیشه نقارخانه ئی باسند دوبرگ استشهادیه گواهی شده منظم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده ومدعی است سند مالکیت ششدانگ پلاک ۱۶ - فرعی از ۶- اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد که متعلق به وی میباشد بعلت جابجایی وسایل منزل مفقودگردیده است با بررسی دفتر املاک معلوم شد سند مالکیت اولیه ذیل ثبت ۷۹۰۰۸ صفحه ۲۳۱ دفتر املاک جلد ۲۴۱ بنام متقاضی صادر و تسلیم شده و سپس برابر سند رسمی شماره ۵۶۶۹۸ – ۹۲/۱۰/۵ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۸ تایباد در رهن بانک سپه شعبه تایباد قرار گرفته که دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد تبصره ۱- اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر ویا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سقد معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی نوبت اول و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.۹۸۰۰۹۲۰

غلامرضا آقازاده
رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

تاریخ انتشار :۰۴/ ۰۲ /۹۸
رونوشت :ستادمحترم فرامین حضرت امام خمینی (ره) مستقر در مشهد مقدس جهت استحضار

مرجع رسیدگی : شعبه ی ۳ شورای حل اختلاف تایباد به آدرس : تایباد - بلوار شریعتی - مجتمع شوراهای حل اختلاف

خواهان: آقای اویس حمیدی سنگانی فرزند دین محمد به آدرس : تایباد-خ شهید بهشتی ۱۶ ک کیمیا- پ ۸

خواندگان: ۱- آقای یاسر صادقی فرزند برات به آدرس تایباد خ سروش ۱۳- ۲- آقای علی باقرانی ترشیز فرزند علی اصغر به آدرس مشهد --سیدی-خ قائم ۴۹ - پ ۸۷- واحد ۶ فعلا هر دو خوانده مجهول المکان خواسته : مطالبه ی صدور حکم الزام به تنظیم سند رسمی یک دستگاه خودرو پراید مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۱۲-۵۷۱-۲۳۰۵۷۱ مقوم به ۵۷/۵۰۰/۰۰۰ میلیون ریال با احتساب هزینه ی دادرسی

رأی شورا

در خصوص دعوی خواهان آقای اویس حمیدی سنگانی فرزند دین محمد به طرفیت خواند گان ۱- آقای یاسر صادقی فرزند برات ۲- آقای علی باقرانی ترشیز فرزند علی اصغر به خواسته ی مطالبه ی صدور حکم الزام به تنظیم سند رسمی یک دستگاه خودرو پراید مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۱۲-۵۷۱ ه ۲۳ مقوم به ۵۷/۵۰۰/۰۰۰ میلیون ریال با احتساب هزینه ی دادرسی، بدین توضیح که خواهان اظهار نموده که به استناد یک برگ مبایعه نامه ی عادی شماره ی ۹۵۲۰۵۷ مورخه ی ۹۶/۰۹/۱۵ یک دستگاه خودرو با مشخصات ستون خواسته از خوانده ی ردیف اول خریداری کرده ام و قسمتی از ثمن معامله را به مبلغ ۵۷/۵۰۰/۰۰۰ میلیون ریال را پرداخت نموده ام و علیرغم ایفاء تعهداتم تا کنون نسبت به تنظیم و انتقال سند اقدامی ننموده است، مضاف بر اینکه سند خودرو فوق به نام خوانده ی ردیف دوم آقای علی باقرانی ترشیز می باشد، خواندگان فوق علیرغم آگهی در روزنامه حمایت به شماره ی ۴۳۰۷ مورخه ی ۹۷/۷/۱۱ در جلسات رسیدگی حضور نیافته و هیچ گونه دفاع و یا تکذیب محکمه پسندی از خود به عمل نیاورده اند، لذا شورا با بررسی اوراق و محتویات پرونده و با عنایت به ملاحظه ی قول نامه ی استنادی و احراز معامله بین طرفین و با توجه به استعلام از پلیس راهور تایباد که اعلام نموده سند خودرو فوق به نام خوانده ی ردیف دوم می باشد و اینکه مستندات دعوی حکایت از وقوع معامله بین طرفین و تملیک و تملک مورد معامله دارد و توجه به اینکه تنظیم سند از لوازم عرفی معاملات محسوب می شود، علیهذا به استناد مواد ۱۰ و ۲۲۰ و ۲۲۵ و ۲۲۸ و ۲۳۵ قانون مدنی و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی و اصل لزوم و صحت در معاملات حکم به محکومیت خوانده ی ردیف اول به پرداخت هزینه ی تنظیم سند و هزینه ی دادرسی و خوانده ی ردیف دوم را به الزام حضور در یکی از دفاتر اسناد رسمی تایباد و تنظیم و انتقال سند خودرو مزبور با مشخصات مندرج در متن دادخواست به نفع خواهان صادر می گردد و اعلام می نماید. رأی صادره غیابی بوده و ظرف مدت بیست روز قابل واخواهی در همین شورا و ظرف مدت بیست روز از تاریخ انقضای مهلت واخواهی قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم دادگاه عمومی تایباد می باشد .۹۸۰۰۹۲۱

ناشاییان
محمد یاری
قاضی شورای حل اختلاف شعبه ی سه تایباد

مشخصات محکوم علیه :
نام : غلام نبی تیموری فرزند غلام مولا شغل آزاد آدرس تایباد خیابان امام خمینی روبروی راهنمایی و رانندگی دفتر تیموری ۲- رضا آقائی فرزند محمد شغل آزاد آدرس : مجهول الملکان
مشخصات محکوم له :
ولی محمد علیجانی استادی فرزند نورمحمد شغل آزاد ، آدرس تایباد خیابان سروش ۲ منزل شخصی
محکوم به :
بسمه تعالی
بموجب رای شماره ۹۷۰۹۹۷۵۷۲۲۱۰۰۵۵۵ تاریخ ۹۷/۱۲/۵ شعبه یک شورای حل اختلاف شهرستان تایباد (و رای شماره تاریخ شعبه دادگاه عمومی) که قطعیت یافته است محکوم علیه محکوم است به : خوانده ردیف دوم آقای رضا آقایی به حضور در یکی از دفاتر اسناد رسمی و تنظیم سند رسمی خودرو پراید مدل ۱۳۸۰ به شماره پلاک ۳۲ – ۹۹۱ هـ ۱۸ را به نام خواهان و خوانده ردیف اول غلام نبی تیموری محکوم است به کلیه مخارج سند و عوارض و شهرداری و خلافی تا تاریخ قرارداد بین خواهان و خودش می باشد و همچنین محکوم است به مبلغ ۱۲۵/۷۵۰ تومان بابت هزینه دادرسی در حق خواهان . «نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت»
محکوم علیه مکلف است :
پس از ابلاغ این برگ اجرائی ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد و یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به و یا انجام تعهد و مفاد رای بدهد. در غیر اینصورت برابر مواد ۲۴، ۳۴، ۳۵ ، ۳۸ ، ۶۴ ، ۶۶ قانون اجرای احکام مدنی و مواد ۵۲۲ ، ۵۲۳ ، ۵۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی اقدام قانونی از سوی اجرای احکام دادگستری صورت می پذیرد. ۹۸۰۰۹۲۲
امضاء و مهر مسئول دبیرخانه شورا
امضا و مهر قاضی شورا
قنبر مرزانی

(ابلاغ اجرائیه مهریه)

بدین وسیله به آقای علی ابراهیمی فرزند مهراب شناسنامه شماره ۲۴۵ صادره از شهرکرد ساکن هفشجان- انتهای خیابان نواب غربی خاکی چهارم ابلاغ می شود که خانم سمیراء خیبری هفشجانی جهت وصول تعداد یکصد و بیست و چهار عدد سکه طلای تمام بهار آزادی و مبلغ سیصد میلیون وجه نقد رایج کشوری به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۵۲۷۰۰۳ سری الف ۸۱ دفتر ۷۲ شهر هفشجان علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۷۰۰۶۴۸ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۳ مأمور ،محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجراء مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.۹۸۰۰۹۶۱
رئیس اداره اجرای اسناد رسمی شهرکرد

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای داود قربانی زاده سرشکه ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است که سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان قطعه دوم واقع درطبقه دوم سمت جنوبی بشماره پلاک ۵۳۵۶ فرعی باقیمانده از ۱۵۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۳۵۶ فرعی از اصلی مذکور بمساحت ۶۳/۶۷ متر مربع مورد ثبت ۹۸۷۰۳۷ صفحه ۱۱۴ جلد ۳۵۲۵ املاک بنام مسعود مشایخی ثبت و سند بشماره چاپی ۲۱۵۶۳۲ بنام مشارالیه صادر و تسلیم گردید سپس تمامی مورد ثبت برابر سند انتقال شماره ۱۱۱۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۵ شماره - دفتر خانه ۲۰۳ کرج به متقاضی منتقل و برابر سند رهنی بشماره ۱۱۱۴ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۵ دفتر ۲۰۳ کرج در رهن بانک مسکن قرار گرفته است که به علت سهل انگاری مفقود نموده لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خودرا ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقراعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. شماره پرونده: ۹۸/۱/۳۶۰ ۹۸۰۰۹۲۳
شوش پاشا – رئیس ناحیه ۱

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه خانم قمر زارعی دارای شناسنامه ۳۴۳۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۰ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی رحمانی به شناسنامه ۳۹ در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به

۱. ربابه چتر سیمین فرزند غلامحسین ش.ش ۲۱۲۴ ت.ت ۱۳۳۲/۳/۲ نسبت همسر مرحوم
۲. قمر زارعی فرزند محمد ش.ش ۳۴۳۳ ت.ت ۱۳۱۴/۳/۱ نسبت مادر مرحوم
۳. مرتضی رحمانی فرزند علی ش.ش ۰۴۸۰۳۲۵۰۹۱ ت.ت ۱۳۷۰/۴/۸ نسبت فرزند مرحوم
۴. معصومه رحمانی فرزند علی ش.ش ۳۶۸۸ ت..ت ۱۳۵۸/۲/۲۵ نسبت فرزند مرحوم
۵. مهسا رحمانی فرزند علی ش.ش ۶۷۵۲ ت.ت ۱۳۵۹/۵/۹ نسبت فرزند مرحوم
۶. مریم رحمانی فرزند علی ش.ش ۵۲۶۴ ت.ت ۱۳۶۰/۶/۲۰ نسبت فرزند مرحوم

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.۹۸۰۰۹۱۶
سید حسن سامغانی قاضی شورا شعبه هفتم دشورای حل اختلاف شهر خرو

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای محمد رضا حیدری دارای شناسنامه ۵۷۴۹۷۶۳۶۶۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۹ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان جلال حیدری به شناسنامه ۵۷۴۰۰۹۰۴۹۰ در تاریخ ۹۸/۱/۲۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به

۱. محمد رضا حیدری فرزند حسین ش.ش ۵۷۴۹۷۶۳۶۶۸ ت.ت ۱۳۵۷/۱/۱۰ نسبت پدر مرحوم
۲. مریم حیدری فرزند موسی ش.ش ۵۷۴۹۲۰۷۵۸۷ ت.ت ۱۳۵۵/۶/۳۰ نسبت مادر مرحوم

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.۹۸۰۰۹۱۷
سید حسن سامغانی قاضی شورا شعبه هفتم دشورای حل اختلاف شهر خرو

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای محمود ایروانی دارای شناسنامه ۴۶۳۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۳۵ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان طاهره ایروانی به شناسنامه ۱۴ در تاریخ ۱۳۹۷/۹/۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به

۱. محمود ایروانی فرزند محمد ش.ش ۴۶۳۹ ت.ت ۱۳۴۲/۶/۱ نسبت فرزند مرحوم
۲. معصومه ایروانی فرزند محمد ش.ش ۲ ت.ت ۱۳۴۰/۶/۱۲ نسبت فرزند مرحوم
۳. احمد ایروانی فرزند محمد ش.ش ۷۴۲ ت.ت ۱۳۴۴/۶/۲۰ نسبت فرزند مرحوم
۴. مجید ایروانی فرزند محمد ش.ش ۹۱۱ ت..ت ۱۳۵۱/۶/۱۵ نسبت فرزند مرحوم
۵. اقدس ایروانی فرزند محمد ش.ش ۹۱۲ ت.ت ۱۳۵۳/۱/۱۰ نسبت فرزند مرحوم
۶. طیبه ایروانی فرزند محمد ش.ش ۱۵۹۸ ت.ت ۱۳۵۸/۶/۲۰ نسبت فرزند مرحوم
۷. علی ایروانی فرزند محمد ش.ش ۷۰۹ ت.ت ۱۳۵۷/۱/۱ نسبت فرزند مرحوم
۸. مریم ایروانی فرزند محمد ش.ش ۱۷۱۸ ت. ت ۱۳۶۰/۴/۴ نسبت فرزند مرحوم
۹. محمد ایروانی فرزند اسمعیل ش.ش ۶ ت.ت ۱۳۱۷/۶/۱ نسبت همسر مرحوم

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.۹۸۰۰۹۱۸
سید حسن سامغانی قاضی شورا شعبه هفتم دشورای حل اختلاف شهر خرو

آگهی ابلاغ

باتوجه به اینکه آقایان احمد شجاع و مهدی شجاع پرونده ای بطرفیت خانم لیلا مهذب فرند محمد حسین و آقای طاهرشجاع فرزند احمد دادخواستی به خواسته اعتراض ثالث اجرایی تقدیم این دادگاه نموده که تحت کلاسه ۹۷۱۳۲۵ این دادگاه ثبت شده است، لذا حسب درخواست مدعی و دستور دادگاه وفق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی بلحاظ مجهول المکان بودن خوانده ردیف دوم(طاهر شجاع) مراتب ابلاغ وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۹ ساعت ۱۳ را یک نوبت آگهی انجام و نتیجه به همراه نسخه ای از روزنامه در تاریخ نشر آگهی به این مرجع قضایی ارسال گردد. ۹۸۰۰۹۶۳
رئیس شعبه اول دادگاه خانواده ایلام- شهابی

آگهی مزایده نوبت دوم

در پرونده کلاسه ۹۷۲۷۸۵ اجرایی طی رأی صادره از شعبه ۱۴ محاکم حقوقی دادگستری استان همدان محکوم له: محمد رضا بیات محکوم علیه: امید محمدی صارم و سارا حسن قلی پور و مسلم درخشان ،محکوم به : ۱/۳۴۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال در حق محکوم له و نیم عشر دولتی برابر قانون. لذا با توجه به اینکه محکوم علیه نسبت به برائت ذمه خویش اقدامی نکرده است . این اجرا به درخواست { محکوم له } اقدام به توقیف اقلام ذیل : ۱- سه دستگاه ماشین آلات سنگ بری در چهارراه بابک گاراژ اصلانی - ۱-ماشین طولی بر دست دوم و رنگ آمیزی شده به رنگ زرد بدون پلاک با شاسی فلزی و موتور ۱۱کیلووات و تیغه و صفحه کتحرک و سایر متعلقات ۳۴۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۲-ماشین عرضی بر دست دوم بدون پلاک با شاسی فلزی نوار رو لیکی سفید رنگ بطول ۳/۵ متر وعرض ۸۰سانتی متر و موتور و تیغه و مکانیزم حرکت عرضی تیغه و سایر متعلقات ۳۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۳-دستگاه وینچ کامل جرثقیل دست دوم و رنگ آمیزی شده به رنگ آبی با شاسی فلزی و موتور اصلی کلاچ و جعبه دنده و دنده های انتقال نیرو- موتور گیربکس عمودی جهت رفت و برگشت ۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال لذا این اجراء بتاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۳ ساعت ۳۰/ ۰۸ تا ۰۹ اقدام به برگزاری عملیات مزایده جهت تادیه دین محکوم له می نماید. محل برگزاری مزایده دادگستری همدان طبقه همکف اتاق ۱۲۰ می باشد . مورد مزایده ۵ روز قبل از مزایده قابل بازدید دین محکوم له می باشد. برنده مزایده کسی است که بالاترین قیمت پیشنهادی را ارائه و مبلغ را فی المجلس واریز نماید .۹۸۰۰۹۵۱
دادورز اجرای احکام مدنی دادگستری همدان
زائری

آگهی مزایده لوازم خودرو

در پرونده کلاسه ۹۷۴۲۲۰ اجرایی طی رأی صادره از شعبه ۱۳ محاکم حقوقی دادگستری استان همدان محکوم له : علی و حمید نیک نام محکوم علیه: امید شجری - حبیب اله شجری محکوم به و نیم عشر دولتی : ۵۹۰/۰۰۰/۰۰۰- لذا با توجه به اینکه محکوم علیه نسبت به برائت ذمه خویش اقدامی نکرده است . این اجرا به درخواست { محکوم له } اقدام به توقیف اقلام متشکله فنر خودرو -۱- شاه فنر عقب یا جلوانواع کامیون fh-ماک - انترناش - هیوندا- هوو۹تن - اتیکو-بنز- اسکانیا- ایویکو- رنو- آمیکو- نیسان دیزل ووانت لیلاند - و کامیون کاویان ۲-انواع فنر لایی مربوط به کامیون های موصوف -۳- کربی و قامه فنر برای کامیون های مختلف -۴-فنرهای متنوع دیگر که بالغ بر ۳۳۳قلم است به ارزش ۲/۰۹۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال توقیفی در بلوار بهشت مقابل گاراژ انقلاب مغازه فنر فروشی شجری اجراء بتاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۳ ساعت ۳۰ /۰۹ تا ۰۹ اقدام به برگزاری عملیات مزایده جهت تادیه دین محکوم له می نماید. ضمنا محل برگزاری مزایده در واحد اجرای احکام مدنی دادگستری همدان طبقه همکف اتاق ۱۲۰ می باشد . مورد مزایده ۵روز قبل از مزایده قابل مشاهده است

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه
۱۶ چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸
۱۸ شعبان ۱۴۴۰ | ۲۴ آوریل ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۹۴۸

کلیدها

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

ملال حرفه‌ای شدن

هر چند سال که از عمر ما می‌گذرد به طور طبیعی در آنچه بوده‌ایم و هستیم پیش می‌رویم و عمیق و جدی می‌شویم، صاحبنظر می‌شویم و بزرگ می‌شویم. کارمان را خوب بلد می‌شویم و همه این چیزهای خوب یک نتیجه بد دارد که موجب می‌شود به کارمان عادت کنیم و همه چیز را بلافاصله درباره هر موضوعی متوجه شویم. ما حالا خبره این کار هستیم و کافی است به هر مسئله‌ای فکر کنیم تا بلافاصله مشکلات کار و راه‌حل‌ها برای ما فهرست شوند. به خوبی هم می‌دانیم که عیب کار کجاست و باید چه کنیم تا سامانی به وضعیت بدهیم. این اتفاق به ظاهر خوب این بدی را دارد که بسادگی ممکن است مغرور شویم، زیاد فکر نکنیم، یادگیری مان کم شود و این همه موجب می‌شوند کار و زندگی ما از نشاط خالی شود. کسی که ۱۰سال در یک حرفه به طور جدی کار کرده باشد می‌فهمد بحث من چیست؟ ملال این نوع آدم‌ها چیز غریبی است، راه حل این ملال چیست؟ یکی گسترش دامنه فعالیت‌هاست، یعنی اگر تا امروز این تعداد در روز محصول می‌ساختیم باید سعی کنیم خروجی مان را افزایش بدهیم. این کار ما را در بحران قرار می‌دهد و بحران مغز ما را تازه می‌کند. یکی دیگر رفتن به سطح دیگری از مسئله است. اگر تا امروز خیاط بودیم باید سعی کنیم از امروز طراحی هم یاد بگیریم یا اینکه به طور مثال معلمی را هم به کارمان اضافه کنیم. ورود به هر حوزه تازه مرتبط با کار قبلی بسیار نشاط آفرین و انگیزه بخش است. ممکن است بگویید من کارم را دوست دارم و هیچ ملالی هم ندارم، آفرین اما سعی کنید دست کم شروع به یاد گرفتن چیزهای تازه کنید. به طور مثال زبان جدیدی یاد بگیرید یا در مطالعاتتان یک رشته جدید را شروع کنید. طراوتی که این آموزش‌های تازه به کار قدیمی شما می‌دهند شادی شما را چندین برابر می‌کنند. نباید گمان کنیم ما در بهترین وضعیت هستیم و کارمان را هم خوب یاد گرفته‌ایم. همیشه می‌توانیم به موقعیت نابلدی و آموختن برگردیم. کافی است یک سرفصل جدید در مطالعاتتان باز کنید تا حجم ندانسته‌ها غافلگیرتان کنند و به شما هیجان و نشاط آموختن و رشد کردن را هدیه بدهند.

با آموزش‌های تازه همه ما می‌توانیم کیفیت کار و زندگی مان را بهبود ببخشیم. اخلاق خودمان را بازبینی کنیم یا اینکه با اضافه کردن ظرفیت‌های تازه‌ای که آموزش‌های جدید در ما ایجاد می‌کنند، به دانسته‌های قبلی مان وضعیت‌های پرطراوت‌تری اضافه کنیم. هیچ وقت به آنچه هستید عادت نکنید، آموختن یک زبان یا یک ورزش یا حتی یک بازی فکری برای شروع بسیار مفید و الهام بخش است. حتی در این حد که اگر راست دست هستید سعی کنید دست چپ را هم بیشتر به کار بگیرید. چالش‌ها و دشواری‌ها ما را رشد می‌دهند.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

نگاهی جدید به فرعون

نشریه‌آرکیالوجی(باستان‌شناسی) که هر دو ماه یک بار به چاپ می‌رسد، در تازه‌ترین شماره خود در پرونده‌ای به جدیدترین یافته‌های باستان‌شناسان در مقبره «توت‌عنخ‌آمون» یکی از مشهورترین فراعنه مصر که با عنوان «پادشاه توت» معروف است، می‌پردازد. این مجله همچنین در مقالات دیگری به انتشار جدیدترین نقشه از جهان باستان و توضیح در مورد آن پرداخته، حرفه زنبورداری در قوم باستانی مایاها را بررسی کرده و به نسخه چینی اکسیر حیات جاودانه در این کشور کهن می‌پردازد.

این آژاکس جذاب!

هفته‌نامه «فرانس فوتبال» به بررسی پدیده این فصل فوتبال اروپا پرداخته است. این نشریه در گزارش خود چگونگی ظهور دوباره باشگاه آژاکس آمستردام هلند که بعد از چندین سال غیبت از سطح اول فوتبال این قاره دوباره درخشش خیره‌کننده‌ای داشته و به مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا نیز رسیده، نگاهی می‌اندازد و تماشای این تیم را بهترین سرگرمی سال برای فوتبال‌دوستان لقب داده است.

فرانس فوتبال موفقیت‌های خیره‌کننده باشگاه «پاریس سن‌ژرمن» را نیز بررسی کرده و معتقد است آن‌ها مشغول ساخت یک امپراتوری بزرگ در فوتبال فرانسه هستند.

چه کسی بی‌اعتبار می‌شود؟

ماهنامه «اِزکوایر» در مصاحبه‌ای اختصاصی به سراغ ستاره مطرح سینمای جهان یعنی «ساموئل اِل جکسون» رفته است. این بازیگر ۷۰ ساله که در ۴۰ سال گذشته ۱۲۰ اثر سینمایی را از خود به جا گذاشته، در مصاحبه‌اش با «ازکوایر» در مورد موضوعات مختلف مانند هالیوود، سیاست و دوران بچگی نه‌چندان آسانش صحبت‌های جالبی را مطرح می‌کند. این مجله همچنین در مقاله‌ای با عنوان «نیویورک‌تایمز در مقابل ترامپ» جنگ چند سال اخیر این روزنامه معتبر با رئیس‌جمهور آمریکا را زیر ذره‌بین برده و می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که این جنگ موجب شده کدام یک اعتبار خود را نزد مردم آمریکا سریع‌تر از دست بدهند؟

سفرنوشت/ قسمت دهم

زندگی به سبک پاکستان

ایستگاه/ محمد مهدی خالقی

مهم‌ترین ویژگی پاکستانی‌ها «مهربانی و میهمان نوازی» است و اگر به این دو، آرامش ذاتی و صلح طلبی را هم اضافه کنید، با کشوری مواجهید که کمتر تنش و بدرفتاری در آن می‌بینید. در این ۱۰ روز از سفر بارها و بارها میهمان شده‌ایم. از خانه اغنیا تا فقرا و همیشه با روی گشاده و با پذیرایی حداکثری روبه رو شده‌ایم. هروقت از روز وارد شوی، از تو با شیرینی، گورماست، سمبوسه و بعضی سالادهای مخصوص پذیرایی می‌کنند. این البته به جز وعده‌های سه گانه است. از نظر رفتارهای اجتماعی در این چند روز فقط یک مورد دعوای خیابانی آن هم در حد جر و بحث کلامی در تصادف دو ریکشا دیدم. مردم بشدت آرام و مهربان هستند و احترام و علاقه عجیب و غریبی نسبت به ایرانی‌ها دارند. با شنیدن نام ایران چشم‌ها می‌درخشد و لب‌ها به خنده باز می‌شود. جالب اینکه درست همین خصوصیت مثبت در رسانه‌های غربی به شکل وارونه نمایش داده می‌شود و تصور همه مردم دنیا از پاکستان کشوری پر از خشونت، التهاب و تنش است. البته از نظر ما که کار مهمی در این سفر داریم و باید هرچه زودتر به کارها برسیم، این آرامش و بی‌دغدغه بودن معنی بی‌خیالی و خونسردی هم پیدا می‌کند. مثلاً در حالی که شما التهاب رسیدن به یک کار را دارید، راهنمای پاکستانی تان نیم ساعت را به نشستن و صحبت کردن و چای خوردن اختصاص می‌دهد. یا اینکه میهمان کردن در ساعت ۱ و ۲ نیمه شب یا غذا دادن و غذا خوردن ۶ بار در روز اینجا طبیعی است! این البته شاید به اعتقادات صوفیانه بیشتر پاکستانی‌ها باز گردد. حدود ۷۰ درصد پاکستان از صوفیان هستند که اعتقادهای صلح طلبانه و مردمدارانه عجیبی دارند. یکی از این‌ها می‌گفت ما فقط اجازه داریم از میهمان بپرسیم گرسنه است یانه؟ و از دین و مذهبش نمی‌پرسیم.

از نظر عادات غذایی در پاکستان مردم بیشتر چای خشک را در شیر داغ دم می‌کنند و می‌نوشند. نام این معجون بسیار خوشمزه «دودپتی» است. دود به معنی شیر و پتی یعنی چای خشک سیاه. در غذاها استفاده زیاد از گوشت گاو و مرغ در کنار برنج رایج است. البته گوشت بز هم خورده می‌شود و ما گوشت گوسفند در پاکستان ندیدیم. صبحانه پاکستانی‌ها متنوع است تخم‌مرغ در روغن مثل نیمرو، خاگینه با پیاز و فلفل، سبزیجات سرخ شده، شوربای نخود بسیار تند، بعضی شیرینی‌جات همچنین صبح‌ها در ابتدای صبحانه خبری از چای نیست و گورماست - مخلوط شیر و ماست شیرین - مرسوم‌ترین نوشیدنی صبحانه است. اینجا پنیرهم نیست و اصولاً پاکستانی‌ها پنیر را فقط به شکل پنیر پیتزا می‌شناسند. کره، مربا، عسل، ارده و حلوا ارده و... هم نیست یا رایج نیست. پاکستانی‌ها بیشتر برای میهمان‌ها میان وعده آماده می‌کنند و شاید خود نیز به آن مقیدند. چای با شیرینی و انواعی از سمبوسه‌ها و دست پیچ ها. ظهرها نوعی برنج مخلوط با فلفل سبز و تخم مرغ رایج‌ترین برنج است. در کنارش برنج سفید، برنج پخته در آب مرغ با تکه‌های مرغ و ادویه هم دیدیم و به جز نوعی از بورانی آب پز، خورش مرسوم دیگری ندیدم. غذاهای مرسوم ناهار، مرغ چرب با کاری تند، گوشت بز در کاری، بورانی، جوجه کباب تند و کباب کوبیده بازهم مخلوط گوشت با فلفل سبز و ماهی سرخ شده در روغن رایج‌ترین غذاهاست. برای شام هم انواع کتلت‌ها و سمبوسه‌ها همراه با برنج و بعضی غذاهای شبیه نهار سرو می‌شود. در شام و بعضی وقت‌ها هم نهار نوعی سالاد میوه هست که همه جا از خانه تا رستوران آماده می‌شود که شاید خوشمزه‌ترین خوراکی باشد که در پاکستان خورده‌ام. انواع میوه‌های تکه شده مثل آناناس، موز، سیب، گلابی، گوآوا و... که با مخلوطی از خامه و شکر و شاید آرد برنج آماده می‌شود.

ته مانده‌های فرهنگ استعماری

از نظر پوشش پاکستانی‌ها به جز برخی محافل رسمی یا جاهای خاص مثل دانشگاه مقید به لباس محلی هستند. لباسی شبیه به لباس مردم در گستره افغانستان، هند، بنگلادش و سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی ایران. البته با تفاوت‌های جزئی. ویژگی این لباس، نازکی، راحتی و آزادی دست و پا به دلیل گشادی و در عین حال زیبایی است. این لباس برای مناطق گرم و مرطوب بسیار مناسب است. البته من تا آخر هم با شلوار گشاد این لباس کنار نیامدم و باز و بسته کردنش را درست یاد نگرفتم. لباس زن‌ها هم تشکیل شده از یک لباس اصلی شبیه مردانه اما تنگ‌تر و رنگارنگ‌تر و یک شال که سر را می‌پوشاند. بزرگی و ضخامت این شال تعیین کننده پایبندی آن خانم به حجاب است. شال هرچه بزرگ‌ترو ضخیم‌تر خانم مذهبی تر. البته در پاکستان حجاب اجباری نیست. اما به جز افتادن شال روی شانه و دیده شدن موی سر حتی در خاص‌ترین مجتمع‌های تجاری پایتخت، بدحجابی دیگری در پاکستان ندیدم. از نظر رسانه و هنر پاکستان یک کشور مصرف کننده است و تولیداتش بیشتر کمی است تا کیفی. اما محصولات هندی و غربی در اینجا مصرف می‌شود و ساعت‌های پخش هزاران شبکه تلویزیونی و رادیویی را به خود اختصاص می‌دهد. اثری هم از محصولات تصویری ایرانی مثل فیلم‌ها و سریال‌ها ندیدم که تأسف برانگیز و فاجعه است. تأسف انگیز اینکه هند با وجود دشمنی دیرینه با پاکستان، توانسته محصولات هنری و رسانه‌ای‌اش را به اینجا صادر کند و ما با وجود دوستی و قرابت‌های فرهنگی نتوانسته‌ایم. تنها نشانه از هنر و ادبیات ایرانی در اینجا علاقه به شعر فارسی و موسیقی سنتی ایران است که در برخی جوان‌ها یا محافل روشنفکری دیده می‌شود.

در مشاهداتم مهم‌ترین ایراد فرهنگی پاکستان را باقی ماندن آداب و رسوم و ریشه‌های استعمار انگلیس دیدم. نهادینه شدن فرهنگ کرنش و خاکزادی، نداشتن روحیه نقد و مبارزه، راضی بودن به وضع موجود، داشتن فرهنگ برده داری مدرن و سوءاستفاده از اعتقادات پاک مذهبی برای داشتن دم و دستگاه و زندگی‌های شاهانه، غرب زدگی و برتر دانستن غربی‌ها، عدم پایبندی به احکام اسلامی مثل نماز و... البته این‌ها اشکالاتی نیست که در کشور ما هم وجود نداشته باشد. اما بسیاری از این بیماری‌های اخلاقی با ظهور انقلاب اسلامی یا برطرف شده و یا در حال برطرف شدن است.

باور می‌کنید؟

سلطان سکه واقعی

ایستگاه / فؤاد آگاه: **۵۵ سال پیش:** هنوز مهریه سکه‌ای خیلی باب نشده بود. اگر هم شده بود، همان ۱۲ سکه یا نهایتش ۲۰ سکه بود. خانواده عروس اما این بار انگار خواستند سنگ سنگین بیندازند: «مهریه عروس خانم ۲۰۰ سکه تعیین می‌شود»! حساب کرده بودند خانواده داماد چانه می‌زنند و سکه‌ها را نصف می‌کنند و مهریه می‌شود ۱۰۰ سکه که بازهم برای خودش بی سابقه است. داماد اما همه را حیرت زده کرد: ما از شما خواهش می‌کنیم مهریه را بکنید ۴۰۰ سکه... ۴۰۰ تا...نه یکی کم، نه یکی زیاد....

۳۱ سال پیش: «هادی آریایی» ۱۷ ساله و متولد تبریز است. هادی، فرزند همان مردی است که در مراسم خواستگاری جوگیر شده و چون گلویش حسابی پیش عروس آینده گیر کرده بود، از دهانش پریده و ۲۰۰ سکه مهریه را ۴۰۰ سکه کرده بود! هادی پیش از این دوبار به جبهه رفته و این بار هم پدر و مادرش را برای بار سوم راضی می‌کند و هر جور هست راهی جبهه می‌شود. رفتنِ سوم اما بازگشتش مثل دفعه‌های قبل نیست. «هادی» در عملیات «بیت المقدس ۴» در منطقه «شاخ شمیران» به شهادت می‌رسد.

چند سال پیش: «تیمور آریایی» همان جوان ۵۰ سال پیش و پدر شهید فعلی است که اتاق فرزند شهیدش را مثل موزه درست کرده و با یاد و خاطرات شهید ۱۷ ساله‌اش زندگی می‌کند. با اصرار دوستانش برای مراسم افتتاح مدرسه‌ای می‌رود که خیّران آن را ساخته‌اند. در مراسم اعلام می‌شود که ساخت مدرسه دیگری نیز آغاز شده و البته فعلاً لَنگِ ۲۰ میلیون تومان پول است تا کامل شود. پدر شهید پا پیش می‌گذارد، قول می‌دهد و ۲۰ میلیون تومان را هر جور هست جور می‌کند تا مدرسه ساخته شود. وقتی برای مراسم افتتاح می‌رود و نام فرزندش را بالای سردرِ مدرسه می‌بیند، اشکش سرایز می‌شود و نذر می‌کند در ۱۳ استان کشور کار تعمیر و یا ساخت مدارس را به عهده بگیرد.

امسال: اشتباه نکنید! «تیمور آریایی» کارخانه‌دار یا سرمایه‌دار، تاجر و سلطان سکه نیست. بازنشسته وزارت کشاورزی است. اما می‌گوید پول‌های کمک به ساخت مدرسه را از محل همان ۴۰۰ سکه مهریه همسرش تأمین می‌کند! تیمور بعدها متوجه می‌شود پول مهریه به گردنش است و باید آن را بپردازد. شروع به پس‌انداز در بانک می‌کند تا به مرور دینش را ادا کند. عروس خانم چند سال بعد متوجه می‌شود و مهریه‌اش را می‌بخشد.

«تیمور» هم بخشش همسرش را جور دیگری جبران می‌کند... پول‌های پس‌انداز شده زیاد شده و بانک سود خوبی بابت آن‌ها می‌دهد. سودی که تیمور و همسرش همه آن را خرج نذرشان می‌کنند و در شهرها و روستاهای محروم مدرسه می‌سازند.

زیر آسمان شهر

چند میلیون مترمکعب برکت

رقیه توسلی: هوسِ گشت و گذار می‌اُفتد به سرمان، خدای ناکرده اردیبهشت است دیگر.

نمی شود چند مُشت تخمه آفتابگردان و موبایلِ فول شارژ برنداشت و نزد به دلِ هوای بهاری!

پس به راه می‌افتیم و ۴۵ کیلومتر دورتر از ساری، پا می‌گذاریم روی ترمز. حوالی روستای «اَفراچال».

یعنی هیبت و جلالِ «سد شهید رجایی» نگه مان می‌دارد... سَر و ریخت تازه اش... پرحرفی‌اش... دلبرتر شدنش.

سیر و سیاحت این سازه را پشت گوش نمی‌اندازیم؛ آن هم حالا. حالا که بعد از ۶ سال به مدد ابرها، می‌بینیم آب دریاچه سرریز کرده. حالا که ۱۶۰ میلیون مترمکعب ثروت توی مُشت بزرگ‌ترین مخزن مازندران است. حالا که اندوخته برف و باران می‌خواهد مُشتُلّق آبادانی بدهد به ۵۰ هزارهکتار زمین کشاورزی و برکت بریزد در آسیاب توربین‌های مولد برق استان.

تخمه آفتابگردان به کُل یادمان می‌رود و تا می‌شود جیب‌هایمان را فقط از کشف و شهود پُر می‌کنیم.

قرارمان تاج سد بود که می‌رسیم. برنجکاران منطقه که امسال آن روی سکه کم آبی را می‌بینند، تنها آدم‌های این سیاره‌اند که یادشان می‌کنیم.

کنار نرده‌ها - جایی میان زمین و آسمان - راه می‌رویم و نفسمان در سینه حبس می‌شود. عظمت این ساخته بشری اجازه نمی‌دهد دست از دوربین بکشیم. چشم‌اندازها از بالای بَند، معرکه‌اند.

هیاهوی غلیظِ سرریزِ آب یک طرف و آرامش دریاچه از آن طرف، شبیه ندارد. تَنه می‌زنند به شعرهایی که بلدیم از دریا. اصلاً تا نگاه قد می‌دهد سبزفامی جنگلی است که عکسش اُفتاده در آب. سقوط قطره‌هاست به درّه. نمایش مِه روی شانه‌های آسمان و کوه‌های درهم تنیده و پله‌های لیز و مرطوب.

حقّا که تنهایی و زیبایی سد، شبیه هیچ دست ساز دیگری نیست. و حقّا که بهشتی است در اردیبهشت!

جدول ۷۵۱۶

zadehalireza@gmail.com
محمدرضا علی‌زاده

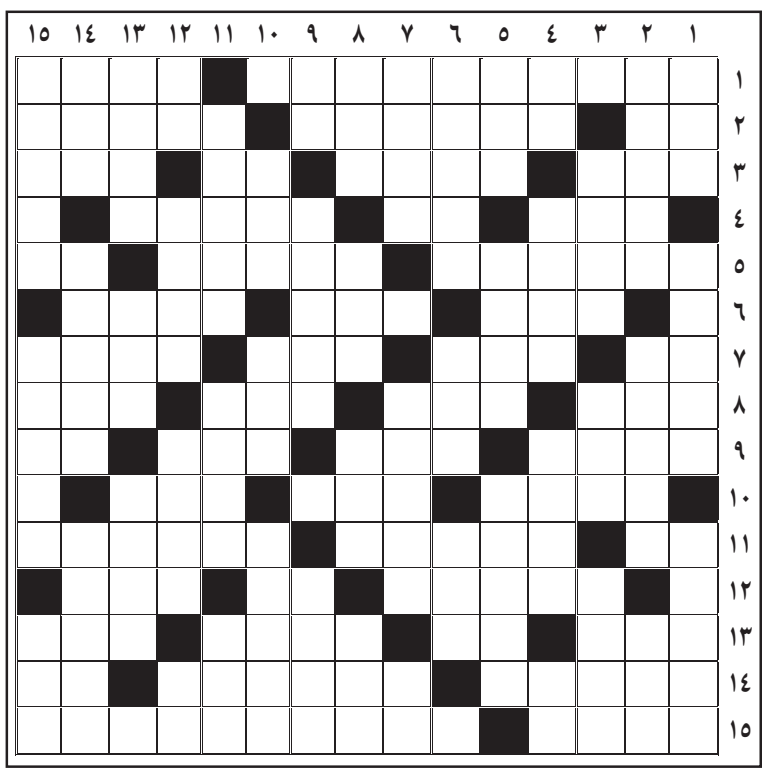

افقی

۱. کشتی‌گیری از خطه خراسان بود که در سال‌های ۱۳۲۹ ، ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ با کسب عنوان پهلوانی کشور سه‌بار پیاپی صاحب بازوبند پهلوانی شد- زیباست و از نام‌های باریتعالی ۲. تنبل و بیحال- مجرای خروج آب پشت بام- سوره ۵ قرآن کریم ۳. مالیات- فرستاده- سفید ترکی- نظرات انتخاباتی ۴. شب قبل- حرف انتخاب- عبادت‌کردن ۵. نوعی طلاق توافقی- جنگی که نادرشاه افشار طی آن هندوستان را فتح کرد– صوت ندا ۶. از وسایل تبلیغاتی- مسرور- سرباززدن از انجام کاری ۷. یک و یک- عضو شنیدن – اجاره - حبوب هرآش ۸. شیرینی بزرگ جشن تولد- سود حرام- پس غذا- سبزی غده‌ای ۹. مسلک و آیین- از افعال ربطی- عدل و قسط- نام ترکی ۱۰. صحبت در گوشی- کبر و خودپسندی – عزا و ماتم ۱۱. آب عرب- کاشف انگلیسی قطب جنوب - مطلوب ۱۲. کهن- ضمیر اتحاد- حاکم و فرمانده ۱۳. واحد شمارش نان- نام ترکی- از حالات سه‌گانه ماده- برگ درخت خرما ۱۴. دندان‌های نیش- نگرانی و اضطراب- ناراست ۱۵. سفیده موی سر- میدانی در تهران یادآور روزهای انقلاب

عمودی

۱. لقب شاهان سلجوقی- دادگاه ها- موچینه ۲. بخل ورزیدن- خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران- خودروساز فرانسوی و وارد کننده اولین خودرو به ایران که به بهانه تحریم‌ها بدعهدی کرد ۳. پاسخ- از درختان سوزنی‌برگ شهری- کوتاه ۴. رود آرام- حنظل- چندین ماده- سودای ناله ۵. قرض و دین- نیم میلیون- محل سودن گندم ۶. ماه میلادی- شناسه حساب بانکی ایران - اشکاف ۷. بندری متعلق به اوکراین در دریای سیاه- آسمان در گویش بچه لندن – ساز ضربی مدور ۸. عقاب سیاه- شیرینی سوغات کرمانشاه- بام جهان- پوست ۹. لحظه- الیم - کشیدنی اسلحه ۱۰. گیاه فیلگوش- شیر درنده- بی صدا ۱۱. چندین قسط- موش خرما- پرتگاه میان کوه ۱۲. ازما بهتران- رایج‌ترین وسیله ارتباطی- پایداری- همگی ۱۳. زندگی کردن- جامه و لباس- روانه کردن ۱۴. رفیق شفیق- وجود مطلق هستی بخش در زردشت- پارچه کشباف ۱۵. عیب‌جویی کردن از دیگران- جلال و جبروت- سپیده‌دم

حل جدول شماره قبل

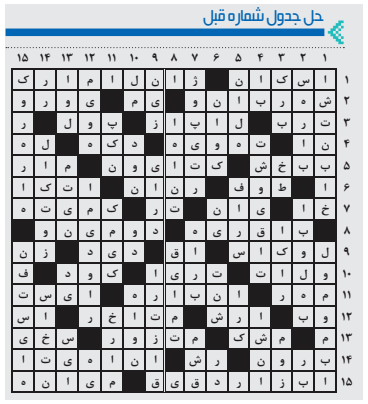

منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم
با ما تماس بگیرید